Interdisciplinary Studies in Economics

Online ISSN: 3115-7181
Journal Homepage: https://ise.qom.ac.ir

The Reciprocal Effects between Social Capital and Good Governance: A Comparative Analysis of Countries' Income Groups

Hassan Daliri

Associate Professor of Economics, Department of Management and Economics, Faculty of Humanities and Social Sciences, Golestan University, Gorgan, Iran. Email: H.daliri@gu.ac.ir

Article Info

Article type:
Research

Article history:
Received: 07 July 2025
Received in revised form: 25 July 2025
Accepted: 30 August 2025
Available online: 28 September 2025

Keywords:
Social Capital; Good Governance; Panel Vector Autoregression (PVAR); Principal Component Analysis (PCA); Structural Equation Modeling (SEM).

ABSTRACT

This study investigates the dynamic reciprocal relationship between social capital and good governance across 154 countries, classified into two income groups, over the period 2007–2022. Based on the theoretical foundations, social capital—characterized by trust, networks, and social norms—is considered a determinant factor that interacts with the quality of governance, which encompasses control of corruption, rule of law, regulatory quality, government effectiveness, political stability and absence of violence, and voice and accountability. To evaluate the association between social capital and good governance, the six dimensions of good governance were first weighted using the Structural Equation Modeling (SEM) approach combined with Principal Component Analysis (PCA). Subsequently, a Panel Vector Autoregression (PVAR) model was employed to examine and compare the reciprocal effects between social capital and good governance across two groups of countries: those with above-median income and those with below-median income. The results indicate that social capital has a significant and positive effect on the quality of governance in lower-income countries. Conversely, good governance significantly strengthens social capital. Moreover, this effect is larger in lower-income countries but more persistent in higher-income countries. These findings confirm the existence of a mutual relationship between governance and social capital, suggesting that the impact of governance on social capital is stronger and more substantial. The results provide valuable policy implications for achieving sustainable development through targeted interventions tailored to countries' income levels and socio-political environments.

Cite this article: Daliri, Hasan (2025). The Reciprocal Effects between Social Capital and Good Governance: A Comparative Analysis of Countries' Income Groups, *Interdisciplinary Studies in Economics*, 1(3), 4 - 26.

https://doi.org/10.22091/ise.2025.13307.1044

© Author(s) retain the copyright and full publishing rights.

Publisher: University of Qom.
DOI: https://doi.org/10.22091/ise.2025.13307.1044

JEL Classification: Z13, H11, O15`

شاپا الکترونیکی: ۷۱۸۱-۳۱۱۵
Journal Homepage: https://ise.qom.ac.ir

اثرات متقابل بین سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب: تحلیل مقایسه‌ای گروه‌های درآمدی کشورها

حسن دلیری

دانشیار اقتصاد، گروه مدیریت و اقتصاد، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه گلستان، گرگان. ایمیل: H.daliri@gu.ac.ir

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:
مقاله پژوهشی.

تاریخچه مقاله:
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۱۶
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۵/۰۳
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۰۸
تاریخ انتشار برخط:
۱۴۰۴/۰۷/۰۶

کلیدواژه‌ها:
سرمایه اجتماعی، حکمرانی خوب، خودرگرسیون برداری، مؤلفه‌های اصلی، معادلات ساختاری.

چکیده

این مطالعه به بررسی رابطه پویای متقابل بین سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب در بین ۱۵۴ کشور دنیا در دو گروه درآمدی و برای دوره ۲۰۲۲-۲۰۰۷ پرداخته است. با توجه به مبانی نظری، سرمایه اجتماعی که با اعتماد، شبکه‌ها و هنجارهای اجتماعی شناخته می‌شود، به‌عنوان یک عامل تعیین‌کننده و با اثر متقابل با کیفیت حکمرانی که شامل کنترل فساد، حاکمیت قانون، کیفیت نظارت، اثربخشی دولت، ثبات سیاسی و عدم وجود خشونت و حق اظهارنظر و پاسخگویی است، مورد بررسی قرار گرفته است. به منظور ارزیابی ارتباط بین سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب، در ابتدا شاخص‌های شش‌گانه حکمرانی خوب با استفاده از روش معادلات ساختاری و تحلیل مؤلفه‌های اصلی موزون شدند و در ادامه، با استفاده از روش خودرگرسیون برداری در داده‌های تابلویی، ارتباط متقابل بین سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب در دو گروه کشورهای با درآمد بیشتر از متوسط و کشورهای با درآمد کمتر از متوسط ارزیابی و مقایسه شد. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی در کشورهای با درآمد کمتر از متوسط به‌طور مثبت بر کیفیت حکمرانی تأثیر می‌گذارد. از سوی دیگر، حکمرانی خوب به‌طور معناداری موجب تقویت سرمایه اجتماعی می‌شود. این اثر در کشورهای با درآمد کمتر از متوسط بزرگ‌تر و در کشورهای با درآمد بیشتر از متوسط، پایدارتر است. این یافته‌ها مؤید ارتباط متقابل بین حکمرانی و سرمایه اجتماعی است، به‌گونه‌ای که اثر حکمرانی بر سرمایه اجتماعی مهم‌تر و بزرگ‌تر است. نتایج این مطالعه، پیامدهای سیاستی ارزشمندی برای توسعه پایدار از طریق مداخلات هدفمند متناسب با سطح درآمد و محیط اجتماعی-سیاسی کشورها ارائه می‌دهد.

استناد: دلیری، حسن (۱۴۰۴). اثرات متقابل بین سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب: تحلیل مقایسه‌ای گروه‌های درآمدی کشورها، *مطالعات بین‌رشته‌ای اقتصاد*، ۱(۳)، ۲۶-۴.

https://doi.org/10.22091/ise.2025.13307.1044

ناشر: دانشگاه قم.

© نویسندگان.

طبقه‌بندی JEL: `Z13, H11, O15

۱. مقدمه

مفهوم و اهمیت تعاملات جمعی و فضیلت‌های اخلاقی در ساختار اجتماع و اقتصاد، ریشه در اعصار تاریخ دارد. فیلسوفان و جامعه‌شناسان مفهوم سرمایه اجتماعی را از طریق نظریه‌هایی مانند نظریه مبادله اجتماعی[۱] و نظریه قرارداد روان‌شناختی[۲] توسعه دادند. اما عبارت «سرمایه اجتماعی» برای اولین بار در متون اقتصادی قرن نوزدهم استفاده شد، البته در آن دوره معنایی بسیار متفاوت از آنچه امروزه به‌طور معمول از سرمایه اجتماعی استنباط می‌شود، وجود داشته است (کاستیلیونه[۳] و همکاران، ۲۰۰۷؛ وولکاک[۴]،۱۹۹۸؛ فَر[۵]، ۲۰۰۴). پاتنام[۶](۲۰۰۰) باور دارد که اولین کاربرد از مفهوم سرمایه اجتماعی که تقریباً به معنای فعلی آن نزدیک است، را می‌توان در دهه دوم قرن بیستم و در مطالعات هانیفان[۷] یافت (فر،۲۰۰۴) . اما سرمایه اجتماعی چیست؟ در یک نظام اجتماعی، تعامل و تقابل میان کنشگران پایه و اساس نظام به‌شمار می‌رود.

کلمن[۸](1990) معتقد است سرمایه اجتماعی، هنگامی به‌وجود می‌آید که روابط میان افراد به شیوه‌هایی دگرگون شود که کنش را تسهیل کند. از دید کلمن، مفهوم سرمایه اجتماعی نشان‌دهنده آن است که چگونه ساختار اجتماعی یک گروه می‌تواند به‌عنوان منبعی برای افراد آن گروه عمل کند. به بیان دیگر، سخن سرمایه اجتماعی عبارت است از ارزش آن جنبه از ساختار اجتماعی که به‌عنوان منبعی در اختیار اعضا قرار می‌گیرد تا بتوانند به اهداف خود برسند[۹].

از سوی دیگر، حکمرانی پیشینه‌ای به اندازه تمدن بشری دارد و مفهوم جدیدی نیست، اما در سال‌های اخیر توجه ویژه‌ای به این مفهوم و تأثیر آن بر توسعه جوامع شده است. حکمرانی را می‌توان به‌طور ساده، فرایند تصمیم‌گیری و ساختاری معرفی کرد که به‌وسیله آن تصمیمات اجرا می‌شوند. حکمرانی خوب یکی از مباحث مهمی بود که از دهه ۱۹۸۰ به بعد در ادبیات توسعه مطرح شد. در حکمرانی خوب، در انجام فعالیت‌ها، بین سه رکن اصلی «دولت»، «جامعه مدنی» و «بخش خصوصی» شراکت وجود دارد که گاهی فراتر از مشارکت است. برنامه عمران سازمان ملل متحد[۱۰]، حکمرانی را اعمال قدرت و اختیار سیاسی، اقتصادی و اداری یکپارچه برای مدیریت امور کشور در کلیه سطوح معرفی می‌کند. حکمرانی خوب بر اساس تعریف این نهاد شامل سازوکارها، فرایندها و نهادهایی است که به‌واسطه آن‌ها شهروندان، گروه‌ها و نهادهای مدنی منافع خود را دنبال می‌کنند، الزامات و حقوق قانونی خود را برآورده می‌سازند و تفاوت‌ها و اختلاف‌های خود را به حداقل می‌رسانند. کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل ویژگی‌هایی را برای حکمرانی خوب برمی‌شمارد که شامل: شفافیت[۱۱]، مسئولیت‌پذیری[۱۲]، پاسخگویی[۱۳]، مشارکت[۱۴]،

---

[1] Social Exchange Theory
[2] Psychological Contract Theory
[3] Castiglione
[4] Woolcock
[5] Farr
[6] Putnam
[7] Hanifan
[8] Coleman

[۹] پاتنام سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از مفاهیمی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها می‌داند که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه اعضای یک اجتماع شده و در نهایت منافع متقابل آن‌ها را تأمین خواهد کرد. فوکویاما سرمایه اجتماعی را این گونه تعریف می‌کند: «مجموعه‌ی معین از ارزش‌ها و معیارهای غیررسمی مشترک در بین اعضای گروه که آنان را به همکاری بیشتر با یکدیگر ترغیب می‌کند».

[10] United Nations Development Program.
[11] Transparency
[12] Responsibility
[13] Accountability
[14] Participation

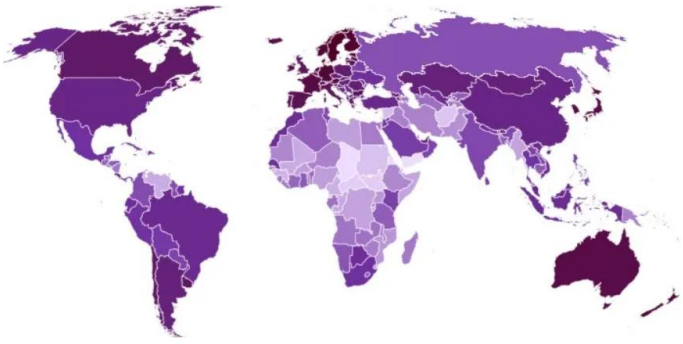
حاکمیت قانون[1] و انعطاف‌پذیری[2] است[3]. حکمرانی خوب تضمین می‌کند فساد به کمترین میزان برسد، دیدگاه‌های اقلیت مورد توجه قرار گیرد و مشکلات اقشار آسیب‌پذیر در تصمیم‌گیری‌ها لحاظ شود.

نقشه‌های (۱) و (۲) نشان‌دهنده شاخص حکمرانی خوب و سرمایه اجتماعی برآورد شده توسط بانک جهانی هستند. تحلیل داده های سال ۲۰۲۴ در شاخص‌های حکمرانی و سرمایه اجتماعی به‌وضوح نشان می‌دهد که کشورهای شمال اروپا (اسکاندیناوی و حوزه بالتیک) در هر دو بُعد در میان برترین‌ها قرار دارند. در رتبه‌بندی حکمرانی، سوئد، دانمارک، فنلاند، استونی و لوکزامبورگ در صدر قرار دارند، که همگی کشورهای با نظام‌های دموکراتیک باثبات، سطح بالای شفافیت نهادی و ساختار اداری کارآمد هستند. به‌طور مشابه، آلمان (رتبه ۶)، فرانسه (۱۲) و هلند نیز عملکرد بسیار بالایی دارند. کشورهای غیراروپایی مانند نیوزیلند (۹)، کره جنوبی (۱۳) و ژاپن (۱۷) نیز توانسته‌اند به‌واسطه ترکیب ساختارهای پاسخ‌گو، نهادهای مستقل و سرمایه اجتماعی نسبتاً قوی، در جمع ۲۰ کشور برتر قرار گیرند. در مقابل، شکاف شمال–جنوب به‌شدت نمایان است: اغلب کشورهای آفریقایی و آسیای مرکزی، به دلیل ضعف در ثبات سیاسی، حاکمیت قانون و شفافیت نهادی، در رده‌های پایینی قرار دارند. چین (۶۱)، آمریکا (۶۲)، و برزیل (۷۰) اگرچه اقتصادهای بزرگی دارند، اما در شاخص حکمرانی به دلیل ضعف‌هایی نظیر نابرابری، فساد یا نبود شفافیت، رتبه متوسط یا ضعیفی کسب کرده‌اند.



نقشه ۱. پراکندگی شاخص سرمایه اجتماعی در دنیا ۲۰۲٤

منبع: بانک جهانی https://solability.com/



نقشه ۲. پراکندگی شاخص حکمرانی خوب در دنیا ۲۰۲٤

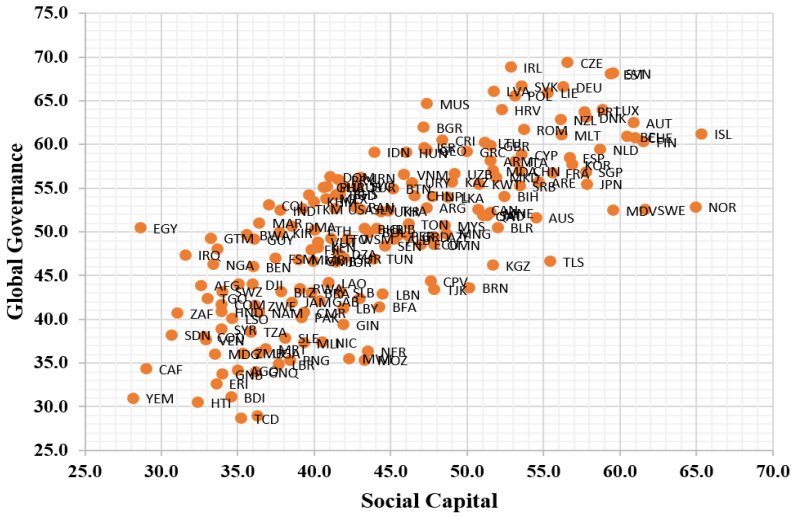
منبع: بانک جهانی https://solability.com/

[1] The Rule of Low

[2] Resposiveness

[3] ویژگی‌های حکمرانی خوب با دیدگاه‌های دیگری نیز شکل گرفت. کمیسیون اقتصادی و اجتماعی ملل متحد برای آسیا و اقیانوسیه هشت ویژگی را برای حکمرانی خوب معرفی می‌کند: مشارکتی، اجماع محور، مسئولیت‌پذیر، شفاف، پاسخ‌گو، اثربخش و کارا، منصفانه و همه‌گیر و پیرو حاکمیت قانون.

در شاخص سرمایه اجتماعی، وضعیت مشابهی مشاهده می‌شود؛ ژاپن در رتبه اول، هلند، فرانسه، ایسلند و نروژ در رتبه‌های بعدی قرار دارند. حضور پررنگ کشورهای اسکاندیناوی و اروپای غربی در میان ۱۰ کشور اول نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی به‌طور مؤثری در این جوامع نهادینه شده است. از سوی دیگر، ایالات متحده با رتبه بسیار پایین (۱۱۸) به دلیل نرخ بالای جرم، دسترسی محدود به خدمات سلامت و نابرابری فزاینده، وضعیت نامطلوبی دارد. همین وضعیت در چین (۴۳)، هند (۸۹) و به‌ویژه برزیل (۱۷۹) نیز مشاهده می‌شود که نشان‌دهنده شکاف شدید در انسجام اجتماعی، بی اعتمادی نهادی و ناکارآمدی سیاست‌های اجتماعی است. کشورهای جنوب صحرای آفریقا، به‌ویژه مناطق تحت فشار سیاسی و حقوق بشری، پایین‌ترین رتبه‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. این شکاف‌ها، از منظر تحلیلی، گواه آن هستند که سرمایه اجتماعی نه‌تنها یک ویژگی فرهنگی، بلکه پیامد مستقیم سیاست‌های فراگیر اجتماعی، سطح اعتماد نهادی و اثربخشی حکمرانی است و این هم‌پوشانی آماری در داده‌ها، از استنتاج نظری میان این دو متغیر به‌خوبی پشتیبانی می‌کند. همان‌طور که این ارتباط در شکل (۱) نمایش داده شده است.



شکل ۱. سرمایه اجتماعی و حکمرانی

منبع: برآورد بانک جهانی از سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب در کشورهای دنیا

این مطالعه تلاش دارد تا به بررسی ارتباط متقابل و پویای بین حکمرانی خوب و سرمایه اجتماعی بپردازد. شکل (۱) نشان‌دهنده ارتباط بصری بین این دو متغیر است. با توجه به این شکل، می‌توان دریافت که احتمالاً باید ارتباط مثبتی بین این دو متغیر بین کشورهای دنیا برقرار باشد. اما سوال اینجاست که اولاً آیا این ارتباط واقعاً متقابل است؟ و ثانیاً، آیا جهت ارتباط و اندازه آن در گروه‌های مختلف درآمدی کشورها با یکدیگر متفاوت است؟

به‌منظور دستیابی به این هدف، ابتدا ادبیات موضوع در چارچوب ارتباط بین سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب مورد تحلیل و بررسی قرار خواهد گرفت، سپس مهم‌ترین مطالعات انجام‌شده در این باره معرفی می‌شوند و در نهایت، روش پژوهش، نتایج بررسی و تحلیل‌ها تشریح می‌شوند.

۲. ادبیات نظری و پیشینه تحقیق

۲ـ۱ـ پیشینه نظری

سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب چگونه بر هم تأثیر می‌گذارند؟ با توجه به مبانی نظری، اعتماد به دولت و ساختارهای رسمی جامعه می‌تواند منجر به افزایش هماهنگی بین مردم و دولت شده و از این طریق هزینه‌های مبادله کلان را در زمان اجرای سیاست‌ها کاهش دهد. کاهش هزینه‌های مبادله کلان برای سیاست‌گذاری دولت می‌تواند کارایی حکمرانی را ارتقا دهد. از سوی

دیگر، دولت و نظام حکمرانی به‌عنوان مهم‌ترین ارائه‌کننده‌ی کالاهای عمومی، همواره با مسئله سواری مجانی شهروندان روبه‌رو هستند. دولت‌ها برای کاهش سواری مجانی ناچار به تحمل هزینه‌های زیادی برای نظارت و تنبیه هستند. در این چارچوب، سرمایه اجتماعی می‌تواند با تأثیری که بر انتظارات شهروندان در مورد رفتار دیگران دارد و واکنش‌هایی که به تخطی از هنجارهای عمومی از سوی شهروندان نسبت به یکدیگر شکل می‌گیرد، نیاز به اقدامات نظارتی پرهزینه توسط دولت‌ها را کاهش دهد (دلیری، ۱۴۰۱). پاتنام در مطالعه حکومت‌های تازه تأسیس ایتالیا در دهه ۱۹۷۰ به این نتیجه می‌رسد که سرمایه اجتماعی بالاتر در شمال ایتالیا به‌عنوان عاملی مهم باعث شده است تا نهادهای دموکراتیک این منطقه کارآمدتر و پاسخ‌گوتر باشند. وی سرمایه اجتماعی را برای ثبات سیاسی، کارآمدی حکومت و پیشرفت اقتصادی مهم‌تر از سرمایه مادی و انسانی قلمداد می‌کند (پاتنام، ۱۹۹۵). پاتنام باور دارد که سرمایه اجتماعی می‌تواند موجب بهبود حکمرانی شده و حکومت‌های خوب نیز توانایی بالاتری در حفظ سرمایه اجتماعی خواهند داشت. سرمایه اجتماعی قادر است کارایی جامعه را از طریق تسهیل کنش‌های هماهنگ جمعی بهبود دهد. از دید پاتنام متغیرهایی همانند الزامات اخلاقی و هنجارها، اعتماد اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی که عناصر سرمایه اجتماعی را شکل می‌دهند، تضمین کننده حکمرانی خوب خواهند بود. بویکس و پوسنر[1] (۱۹۹۸:۶۸۶) ارتباط بین سرمایه اجتماعی و کیفیت عملکرد حکومت‌ها را در قالب پنج مدل کلی دسته‌بندی می‌کنند: ۱- رأی‌دهندگان عقلایی و نخبگان رقابت‌پذیر[2] ۲- قانون‌پذیری یا رعایت قانون[3] ۳- فضیلت مدنی[4]- کارایی بوروکراتیک[5] ۵- سازش نخبگان[6]. با توجه به مدل رأی‌دهندگان عقلایی و نخبگان رقابت‌پذیر، سرمایه اجتماعی تا اندازه‌ای می‌تواند مولد حکمرانی خوب باشد که شهروندان بر اساس آگاهی، سیاست‌های عمومی را دنبال کنند. در این چارچوب، سرمایه اجتماعی موجب مطلع ساختن بهتر شهروندان و بهبود کیفیت قضاوت آنان در باب حکمرانی خوب می‌شود. بنابراین هر اندازه مشارکت شهروندان در امور عمومی بیشتر باشد، احتمال برقراری عملکرد مطلوب‌تر از سوی حکومت نیز بالاتر خواهد بود. مدل قانون‌پذیری یا رعایت قانون به شیوه‌ای اشاره می‌کند که سرمایه اجتماعی هزینه‌های اعمال و اجرا سیاست‌های حکومت را کاهش می‌دهد. این مدل بر نقش سرمایه اجتماعی در کاهش هزینه‌های مبادله در عرصه روابط شهروند–حکومت تأکید دارد[7]. مدل فضیلت مدنی نیز بر نقش سرمایه اجتماعی در افزایش حجم و شفافیت مطالبات شهروندان از حکومت و در بهبود پاسخگویی نخبگان به این مطالبات تأکید دارد. با این حال، سرمایه اجتماعی ممکن است بر ماهیت ترجیحات شهروندان نیز تأثیر بگذارد. سرمایه اجتماعی می‌تواند فضیلت مدنی را در میان شهروندان تقویت کند. در اصطلاح مدرن، سرمایه اجتماعی با تغییر سلیقه جامعه از علایق خاص‌گرایانه (چگونه می‌توانم ثروتمندتر شوم؟) به دغدغه‌های جامعه محورتر (چگونه می‌توان وضعیت محله ما را بهتر کرد؟) حکمرانی خوب را ارتقا می‌دهد. به تعبیر پاتنام، با افزایش ترجیحات شهروندان برای منافع جمعی، «من» به «ما» تبدیل می‌شود (پاتنام، ۱۹۹۵:۶۷). بنابراین، سرمایه اجتماعی می‌تواند مطالبات اجتماعی را از فردمحوری به جمع‌محوری تغییر دهد.

[1] Boix & Posner
[2] Rational Voters and Competitive Elites
[3] Rule Compliance
[4] Civic Virtue
[5] Bureaucratic Efficienc
[6] Elite Accommodation
[7] از آنجایی‌که منافع حاصل از «کالاهای عمومی» به همه افراد ذینفع می‌رسد، مردم انگیزه‌هایی برای شانه خالی کردن از پرداخت هزینه‌های آن و سواری مجانی خواهند داشت؛ سرمایه اجتماعی با شکل دادن به انتظاراتی که شهروندان از رفتار دیگران دارند، نیاز به خلق مکانیسم‌هایی نظارتی پرهزینه را کاهش می‌دهد. سرمایه اجتماعی با ایجاد انتظارات خوش‌بینانه‌تر به شهروندان در مورد رفتار هم‌وطنان خود، می‌تواند باعث شود تا حکومت از زیر بار اجرای اجباری و پرهزینه قوانین رها شود.

مدل کارایی بوروکراتیک بیان می‌کند که سرمایه اجتماعی از طریق تأثیراتش بر رفتار نخبگان سیاست‌گذار و بوروکراتیک، اثربخشی نهادی را ارتقا می‌دهد. سرمایه اجتماعی این کار را به دو صورت انجام می‌دهد: اول، توانایی بوروکرات‌های دولتی را برای همکاری با یکدیگر در راستای انجام وظایف خود تقویت می‌کند. دوم، سرمایه اجتماعی ظرفیت مقامات حکومتی را برای مدیریت سازمان‌های عمومی افزایش می‌دهد. براساس مدل سازش نخبگان، سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب از طریق توانایی سرمایه اجتماعی برای تقویت شیوه‌های سازش و تطابق در میان نخبگان متخاصم مرتبط می‌شوند.

دسته‌بندی مطالعات انجام‌شده نیز نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی از کانال‌های متفاوت می‌تواند منجر به ارتقا حکمرانی گردد. در ادامه مسیرهای ارتباط این دو متغیر تبیین می‌شود:

الف. افزایش اثربخشی و شفافیت دولت: اعتماد به‌عنوان پایه و اساس حکمرانی مؤثر است. سطوح بالای اعتماد اجتماعی می‌تواند با ایجاد محیطی که در آن شهروندان تمایل بیشتری به رعایت قوانین و سیاست‌ها دارند و احتمال همکاری بین شهروندان و نهادهای عمومی بیشتر است، به نتایج بهتر حکمرانی منجر شود (بارونسکوف[1]، ۲۰۰۹). وقتی شهروندان به شایستگی و خیرخواهی دولت خود اعتماد دارند، احتمال بیشتری دارد که از ابتکارات عمومی حمایت کرده و از مقررات پیروی کنند که به نوبه خود اثربخشی دولت را افزایش می‌دهد (هان و یان، ۲۰۱۹). برعکس، فقدان اعتماد می‌تواند مانع اجرای سیاست‌ها شده و منجر به عدم کنش اجتماعی شود (آریا[2] و همکاران، ۲۰۲۳). درک صداقت دولت، که ارتباط نزدیکی با اعتماد دارد، برای ایجاد مشروعیت بسیار مهم است (هان و یان[3]، ۲۰۱۹). علاوه براین، سرمایه اجتماعی می‌تواند به شفافیت و جریان اطلاعات[4] نیز کمک کند. سرمایه اجتماعی، از طریق تأکید بر شبکه‌های باز و هنجارهای مشترک، می‌تواند شفافیت در حکمرانی را ارتقا دهد (سامکوسکی[5]، ۲۰۱۸). فرآیندهای تصمیم‌گیری شفاف، که اغلب نتیجه مشارکت اجتماعی فعال و سطح بالایی از اعتماد نهادی هستند، برای مدیریت عمومی مؤثر بسیار مهم هستند (گریملیخویسن، او میجر[6]). این امر امکان نظارت بهتر بر مقامات دولتی را فراهم می‌کند و فرصت های فساد را کاهش می‌دهد (خان[7]، ۲۰۲۰). در این چارچوب، می توان اذعان داشت که سرمایه اجتماعی حکمرانی شرکتی بهینه[8] را نیز تقویت خواهد کرد. در زمینه نهادهای اقتصادی و تأثیر آن‌ها بر رفاه اجتماعی، حکمرانی شرکتی خوب، که با سرمایه اجتماعی و شفافیت در هم تنیده شده است، می‌تواند ساختارهای داخلی را بهینه کرده و کارایی را افزایش دهد. این به فرآیندهای تصمیم گیری بهتر، مدیریت ریسک بهبود یافته و نظارت مؤثرتر منجر می‌شود که همگی به کارایی بالاتر در مؤسسات کمک می‌کنند (کائو[9] و همکاران، ۲۰۲۴).

ب. ارتقای پاسخ‌گویی و کاهش فساد: سرمایه اجتماعی از مسیر نظارت شهروندی و مشارکت اجتماعی می‌تواند فساد را تقلیل دهد. مشارکت اجتماعی، شهروندان را قادر می‌سازد تا دولت‌های خود را پاسخ‌گو نگه دارند (زاکروسکا، ۲۰۱۷). هنگامی که شهروندان به‌طور فعال در امور عمومی مشارکت دارند، احتمال بیشتری وجود دارد که خواستار شفافیت و به چالش کشیدن فساد باشند و در نتیجه، بُعد کنترل فساد در حکمرانی خوب را تقویت کنند (خان، ۲۰۲۰). اعتماد اجتماعی می‌تواند سبب شکل‌گیری

[1] Bjørnskov
[2] Areia
[3] Han & Yan
[4] Transparency and Information Flow
[5] Sumkoski
[6] Grimmelikhuijsen, S., & Meijer, A. J.
[7] Khan
[8] Optimized Corporate Governance
[9] Cao

تلاش‌های ضد فساد شود. اعتماد اجتماعی بالا می‌تواند جوامع را نسبت به فساد کم تحمل‌تر کند و از جنبش‌های ضد فساد، حمایت بیشتری کند (خان، ۲۰۲۰). این به این دلیل است که اعتماد اغلب به معنای درک مشترک از رفتار اخلاقی و تمایل جمعی برای حفظ هنجارهای اجتماعی است. تحقیقات نشان می‌دهد که تلاش‌های دولتی برای مبارزه با فساد تحت تأثیر سطح اعتماد اجتماعی قرار دارد و اقدامات مؤثر ضد فساد، اعتماد را در عوض تقویت می‌کند (هان و یان، ۲۰۱۹).

ج. تقویت حاکمیت قانون و کیفیت نظارتی: هنجارها سبب انسجام اجتماعی می‌شوند. سرمایه اجتماعی، که با هنجارها و ارزش‌های مشترک مشخص می‌شود، می‌تواند با تقویت اجماع اجتماعی[1] در مورد چارچوب‌های قانونی و پایبندی به مقررات، حاکمیت قانون را تقویت کند (یانگ[2]، ۲۰۱۴). این سازوکار اجرایی غیررسمی، نهادهای قانونی رسمی را تکمیل می‌کند. همچنین سرمایه اجتماعی می‌تواند مشارکت در ارتقا و بهبود مقررات را نیز افزایش دهد. مشارکت عمومی در فرآیند نظارتی می‌تواند منجر به مقررات مشروع‌تر و مؤثرتر شود (سامکوسکی[3]، ۲۰۱۸). هنگامی که شهروندان در شکل‌دهی به سیاست‌ها مشارکت دارند، احتمال بیشتری وجود دارد که آن‌ها را عادلانه و منصفانه بدانند و این امر منجر به نرخ انطباق بالاتر و کیفیت نظارتی بهتر می‌شود.

د. تقویت همکاری و اقدام جمعی[4]: سرمایه اجتماعی می‌تواند سبب حل مسئله خدمات عمومی گردد. سرمایه اجتماعی، همکاری بین شهروندان و بین شهروندان و سازمان‌های دولتی را تسهیل می‌کند و منجر به حل مؤثرتر مسئله کالای عمومی و بهبود ارائه خدمات عمومی می‌شود (گوان–هون[5]، ۲۰۱۲). در زمینه‌هایی مانند مدیریت آب مبتنی بر جامعه یا حکمرانی زیست‌محیطی، سرمایه اجتماعی قوی امکان اقدام جمعی برای پرداختن به چالش‌های مشترک را فراهم می‌کند (فِیست[6] و همکاران، ۲۰۲۰؛آریا و همکاران، ۲۰۲۳؛کوبایاشی[7] و همکاران، ۲۰۱۴). همچنین سرمایه اجتماعی با افزایش درک مشترک[8]، تصمیم‌گیری را تسهیل می‌کند. مشورت و یادگیری اجتماعی، که با دیدگاه‌ها و اعتماد متنوع تقویت می‌شود، به درک مشترک و تصمیم‌گیری جمعی کمک می‌کند که برای حکمرانی مؤثر بسیار مهم است (فِیست و همکاران، ۲۰۲۰). این امر به‌ویژه در مدیریت محیط‌زیست که در آن حکمرانی مشارکتی کلیدی است، مشهود است (فِیست و همکاران، ۲۰۲۰). در حوزه‌هایی مانند حفاظت و مدیریت منابع، رویکردهای مبتنی بر جامعه[9] که ذاتاً به سرمایه اجتماعی متکی هستند، از طریق حکمرانی مشارکتی و مشارکت در سطح محلی موفقیت خود را نشان می‌دهند (ایدراسن[10]، ۲۰۲۴؛ لئو[11]، ۲۰۲۴؛ هوریگو[12]، ۲۰۱۶).

مطالعات نشان می‌دهند که شاخص‌های سرمایه اجتماعی ارتباط نزدیکی با شاخص حکمرانی خوب بانک جهانی دارند. صدا و پاسخ‌گویی مستقیماً منعکس‌کننده مشارکت اجتماعی و توانایی شهروندان در بیان نظرات خود و پاسخ‌گو نگه داشتن دولت است (ایبیتومی[13]و همکاران، ۲۰۲۴). شبکه‌های اجتماعی قوی و اعتماد می‌توانند صدای شهروندان را تقویت کنند. زیرشاخص ثبات

[1] societal consensus
[2] Young
[3] Sumkoski
[4] Collective Action
[5] Gwan-Hun
[6] Feist
[7] Kobayashi
[8] Shared Understanding
[9] Community-Based
[10] Idrassen
[11] Luo
[12] Horigue
[13] Ibitomi

سیاسی و عدم خشونت/تروریسم، در حالی‌که در درجه اول یک شاخص امنیتی است، سطح بالایی از انسجام و اعتماد اجتماعی می‌تواند با کاهش قطب‌بندی اجتماعی و ترویج حل مسالمت‌آمیز مناقشات به ثبات سیاسی کمک کند. شاخص اثربخشی دولت نیز با اعتماد و همکاری بین دولت و شهروندان تقویت می‌شود و منجر به ارائه خدمات عمومی کارآمد می‌گردد (ایبیتومی و همکاران، ۲۰۲۴؛ عباس[1] و همکاران، ۲۰۲۴). شاخص کیفیت نظارت با مشارکت شهروندان در سیاست‌گذاری و پایبندی به مقررات پشتیبانی می‌شود که خود تحت تأثیر اعتماد به نهادها است (تان و ارکئو[2]، ۲۰۲۴). شاخص حاکمیت قانون با هنجارهای اجتماعی، اعتماد متقابل و درک مشترک از عدالت که عناصر اصلی سرمایه اجتماعی هستند، پشتیبانی می‌شود (ایبیتومی و همکاران، ۲۰۲۴؛ بارانسکوف[3]، ۲۰۰۹). شاخص کنترل فساد نیز مستقیماً تحت تأثیر نظارت شهروندان، شفافیت و تعهد جمعی به رفتار اخلاقی است که همگی توسط سرمایه اجتماعی قوی تقویت می‌شوند (ایبیتومی و همکاران، ۲۰۲۴؛ خان، ۲۰۲۰؛ هان و یان، ۲۰۱۹). بنابراین، با توجه به مبانی نظری موجود، انتظار بر آن است که ارتباط نزدیکی بین سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب وجود داشته باشد.

۲ـ۲ـ مروری بر مطالعات پیشین

ساعی و کبیر (۱۳۹۰) در مطالعه خود با استفاده از روش تحلیل فازی و بررسی کشورهای منتخب به این نتیجه می‌رسند که بر اساس شاخص سازگاری، ۷۱ درصد موارد بررسی‌شده تأیید می‌کنند که سرمایه اجتماعی شرط لازم برای حکمرانی خوب است و براساس شاخص پوشش، ۷۲ درصد از فضای حکمرانی خوب توسط سرمایه اجتماعی پوشش داده شده است.

طبرسا و همکاران (۱۳۹۴) با بررسی پیمایشی بین دانشجویان علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، تأثیر حکمرانی خوب بر سرمایهٔ اجتماعی را بررسی کردند. نتایج حاکی از تأثیر مثبت حکمرانی خوب و به‌ویژه حاکمیت قانون بر سرمایهٔ اجتماعی است.

حق پناهیان و همکاران (۱۴۰۰) با استفاده از روش تحقیق توصیفی- تحلیلی به این سؤال پاسخ می‌دهند که حکمرانی مطلوب چگونه می‌تواند بر سرمایه اجتماعی تاثیر بگذارد؟ آنان باور دارند که رابطه میان حکمرانی و سرمایه اجتماعی از نوع رابطه تعاملی و دوطرفه است؛ به طریقی که حکمرانی مطلوب می‌تواند شرایطی خلق کند که در آن سرمایه اجتماعی شکوفا شود و شکوفا شدن سرمایه اجتماعی راه را برای انتخاب حکمرانی مطلوب هموار کرده و سبب افزایش قدرت نرم می‌شود.

رنجبر و غلامی (۱۴۰۱) با مطالعه توصیفی سعی دارند تا مقوله «اعتماد سیاسی» و نحوه ایجاد و انباشت آن در نسبت با «سرمایه اجتماعی» را تبیین کنند. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که تنها آن نوع سرمایه اجتماعی می‌تواند خالق «اعتماد سیاسی» پایدار باشد که مولود الگوی «حکمرانی خوب» است.

در مطالعات خارجی نیز موارد متعددی به بررسی ارتباط بین سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب و یا شاخص‌های مرتبط با آن پرداخته‌اند.

کناک و کیفر[4] (۱۹۹۷) با استفاده از داده‌های ۲۹ کشور در سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۵، به بررسی ارتباط اعتماد اجتماعی (سرمایه اجتماعی) و شاخص‌های حکمرانی (کیفیت بوروکراسی، حاکمیت قانون) پرداختند. نتیجه این مطالعه نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی (اعتماد اجتماعی) به‌طور مستقیم با شاخص‌های حکمرانی خوب، از جمله کاهش فساد و بهبود اجرای قانون، رابطه مثبت دارد. کشورهایی که سطوح بالایی از اعتماد و شبکه‌های اجتماعی قوی دارند، بهره‌وری و رشد اقتصادی بیشتری را تجربه می‌کنند.

[1] Abbas
[2] Tan & Arceo
[3] Bjrnskov
[4] Knack & Keefer

اسلانر[1] (۲۰۰۴) با مطالعه تطبیقی بر اساس داده‌های پیمایشی بین‌المللی و شاخص‌های حکمرانی جهانی به این نتیجه می‌رسد که اعتماد اجتماعی بالا به کاهش فساد در نهادهای حکومتی منجر می‌شود. در کشورهایی که فساد کاهش می‌یابد، مشارکت اجتماعی و سرمایه اجتماعی تقویت شده و حکمرانی اثربخش‌تر می‌شود.

هایدن[2] (۲۰۰۶) با بررسی موردی در کشورهای آفریقایی (آفریقای جنوبی، کنیا، تانزانیا و نیجریه) به ارتباط بین سرمایه اجتماعی و حکمرانی پرداخت. نتیجه مطالعه نشان می‌دهد که در جوامع آفریقایی، حکمرانی ضعیف اغلب به کاهش اعتماد اجتماعی منجر می‌شود. تقویت شبکه‌های اجتماعی محلی (سرمایه اجتماعی) می‌تواند به بهبود عملکرد دولت‌های محلی و کاهش فساد کمک کند.

روستین و استول[3](۲۰۰۸) با بررسی داده‌های پیمایشی از جوامع مختلف و با تمرکز بر نهادهای دولتی و تأثیر آن‌ها بر اعتماد اجتماعی به این نتیجه رسیدند که دولت‌های با حکمرانی مؤثر و شفاف می‌توانند سطح اعتماد اجتماعی را افزایش دهند؛ بنابراین تأثیر اعتماد اجتماعی بر حکمرانی، به‌ویژه در کشورهای دارای فساد کم، قوی‌تر است.

بارنسکوف[4] (۲۰۱۰) با تحلیل داده‌های ۷۲ کشور در سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۵ نشان داد که اعتماد اجتماعی از طریق کاهش هزینه‌های مبادله و بهبود کارایی نهادها، رشد اقتصادی و حکمرانی خوب را تقویت می‌کند. در کشورهای با اعتماد اجتماعی پایین، رشد اقتصادی و حکمرانی به‌شدت تحت تأثیر فساد و ناکارآمدی اداری است.

نارایان و پریشت[5] (۲۰۱۰) با بررسی داده‌های پیمایشی از حدود ۱۰۰۰ خانوار در مناطق مختلف روستایی تانزانیا در دوره زمانی ۱۹۹۷–۱۹۹۵ به این نتیجه رسیدند که سرمایه اجتماعی تأثیر مستقیمی بر افزایش درآمد خانوارها و بهبود حکمرانی محلی دارد.

آبی[6] و همکاران (۲۰۱۶) نیز باور دارند که حاکمیت و سرمایه اجتماعی مؤلفه‌های مهمی در مدیریت و بهره‌برداری از زنجیره ارزش کشاورزی هستند. آنان با بررسی زنجیره ارزش کاکائو در غنا و استفاده از داده‌های پیمایشی ۳۰۰ کشاورز، به این نتیجه رسیدند که رابطه مثبت بین ادراک از حکمرانی خوب و سرمایه اجتماعی وجود دارد.

ماهارچا و سیریسانهیران[7] (۲۰۲۳) با تمرکز بر حاکمیت منابع آب در مناطقی از تایلند و با روش پیمایشی، به بررسی تأثیر متفاوت مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر سطوح مختلف حکمرانی پرداختند. یافته‌ها نشان می‌دهد که سطح بالای اعتماد در جامعه و بین جوامع منجر به سطح پایین مشارکت کشاورزان در وضع قوانین شده است.

بکهام[8] و همکاران (۲۰۲۳) نیز در جامعه روستایی شهر رابسون در امریکا و با مصاحبه از ۳۲ نفر از رهبران بازیابی بلایایی طبیعی، به کارکرد ارتباط بین حاکمیت و سرمایه اجتماعی پرداختند. نتایج نشان داد که سرمایه اجتماعی به‌عنوان منبعی برای سازمان‌دهندگان جامعه عمل می‌کند و رهبران در سطح جوامع کوچک می‌توانند به‌عنوان پلی بین جوامع و تصمیم‌گیرندگان عمل کرده و نتایج مؤثری را برای حکمرانی محلی ایجاد کنند.

در میان مطالعات پیشین داخلی و خارجی، الگوی ارتباط میان سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب عمدتاً به‌صورت خطی یا یک سویه تحلیل شده است. در بیشتر پژوهش‌ها، یا سرمایه اجتماعی به‌عنوان پیش‌نیاز یا پیامد حکمرانی خوب معرفی شده است. برای

[1] Uslaner
[2] Hyden
[3] Rothstein & Stolle
[4] Bjørnskov
[5] Narayan & Pritchett
[6] Abbey
[7] Mahaarcha & Sirisunhirun
[8] Beckham

نمونه، مطالعه ساعی و کبیر (۱۳۹۰) سرمایه اجتماعی را شرط لازم حکمرانی خوب می‌داند، درحالی‌که طبرسا و همکاران (۱۳۹۴) مسیر علیت معکوس را مدنظر قرار می‌دهند. همچنین، در مطالعات خارجی مانند ناک و کیفر (۱۹۹۷)، اسلانر (۲۰۰۴)، و روستین و استول (۲۰۰۸)، تمرکز بر اثر اعتماد اجتماعی بر بهبود نهادهای حکمرانی یا کاهش فساد است؛ در حالی‌که در مطالعه هایدن (۲۰۰۶) یا آبی و همکاران (۲۰۱۶)، نقش شبکه‌های محلی در ارتقای عملکرد دولت‌های محلی و حکمرانی بخشی برجسته شده است. با این حال، این مطالعات غالباً یا در سطح محدود جغرافیایی (مثل مطالعه در شهر یا کشور خاص) انجام شده‌اند یا از روش‌های توصیفی، پیمایشی و کیفی بهره برده‌اند که امکان تحلیل پویای متغیرها در سطح بین‌کشوری را محدود می‌سازد. تمایز اساسی مطالعه حاضر در چند بُعد قابل شناسایی است: نخست، برخلاف بیشتر پژوهش‌ها، این مطالعه با بهره‌گیری از روش‌های اقتصادسنجی پیشرفته (ترکیب روش‌های تحلیل مؤلفه اصلی، معادلات ساختاری و خودرگرسیون برداری داده‌های تابلویی) رابطه دوسویه و پویا بین سرمایه اجتماعی و حکمرانی را مورد بررسی قرار می‌دهد و به آزمون اثر شوک‌ها در بازه زمانی بلندمدت می‌پردازد. دوم، مطالعه حاضر از حیث دامنه جغرافیایی بسیار گسترده‌تر از اغلب مطالعات قبلی است، چرا که بر ۱۵۴ کشور در بازه زمانی ۲۰۰۷ تا ۲۰۲۲ تمرکز دارد. سوم، با تقسیم کشورها به دو گروه درآمدی، برای نخستین بار تحلیل اثرات متقابل بر اساس سطح توسعه اقتصادی ارائه می‌شود. به بیان دیگر، این مطالعه نه‌تنها جهت رابطه بین حکمرانی و سرمایه اجتماعی، بلکه شدت، پایداری و تفاوت اثرگذاری آن در کشورهای با درآمد متفاوت را نیز مورد توجه قرار داده است؛ موضوعی که در هیچ‌یک از مطالعات قبلی به این شکل بررسی نشده است. همین عوامل سبب می‌شود این پژوهش از منظر نظری، روش‌شناختی و سیاست‌گذاری دارای نوآوری معنادار و ارزنده باشد.

۳. روش‌شناسی پژوهش

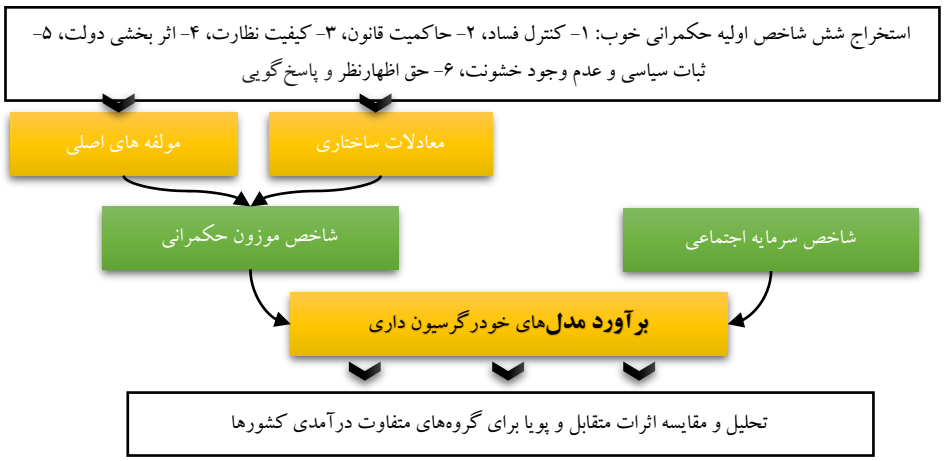
روش مورد مطالعه در این پژوهش، استفاده از برآورد مدل‌های اقتصادسنجی در داده‌های تابلویی است. با توجه به شکل (۲) به‌منظور پاسخ به سؤالات پژوهش، چند مرحله برآورد انجام خواهد شد. در گام اول، به‌منظور تجمیع شاخص‌های شش‌گانه حکمرانی خوب (۱- کنترل فساد، ۲- حاکمیت قانون، ۳- کیفیت نظارت، ۴- اثربخشی دولت، ۵- ثبات سیاسی و عدم وجود خشونت، ۶- حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی)، لازم است از مدل‌هایی برای موزون‌سازی و تجمیع این شاخص‌ها در یک شاخص واحد استفاده شود. استفاده هم‌زمان از هر شش شاخص مورد نظر در یک مدل رگرسیونی به دلیل کاهش شدید درجه آزادی و همچنین همبستگی بالای شاخص‌ها امکان‌پذیر نیست. از این رو، با استفاده از دو روش، شاخص تجمیعی برای حکمرانی خوب برآورد می‌شود؛ یک‌بار با استفاده از روش معادلات ساختاری و یک‌بار با تحلیل مؤلفه‌های اصلی

الف. معادلات ساختاری: برای برآورد شاخص تجمیعی حکمرانی خوب، از مدل معادلات ساختاری[1] با استفاده از روش حداکثر درستنمایی بهره گرفته شد. در این چارچوب، حکمرانی خوب به‌عنوان یک متغیر پنهان[2] تعریف می‌شود که از طریق شش شاخص مشاهده‌پذیر شامل کنترل فساد، حاکمیت قانون، کیفیت نظارت، اثربخشی دولت، ثبات سیاسی و حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی، سنجیده می‌شود. در گام دوم، تأثیر متغیر پنهان حکمرانی خوب بر سرمایه اجتماعی نیز مدل‌سازی شد تا ارتباط ساختاری میان دو مفهوم کلیدی تحقیق مشخص شود. این رویکرد، با تکیه بر نظریه سنجش سازه‌های انتزاعی و چند بعدی در علوم اجتماعی، امکان تجمیع شاخص‌ها را بدون فروض محدودکننده هم‌خطی فراهم می‌سازد و بر اساس ساختار همبستگی‌های مشاهده‌شده بین متغیرهای وابسته، برآورد بارهای عاملی و روابط علّی را ممکن می‌سازد.

[1] Structural Equation Modeling: SEM
[2] Latent

ب. تحلیل مؤلفه‌های اصلی: یکی از روش‌های پایه در آمار چند متغیره است که با هدف کاهش ابعاد[1] در مجموعه‌ای از متغیرهای همبسته، به ساخت مؤلفه‌های جدید و غیرهمبسته[2] می‌پردازد. در این مطالعه، برای ساخت شاخص ترکیبی حکمرانی خوب، از روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی[3] نیز استفاده شد. به‌گونه‌ای که این روش بر روی شش شاخص اصلی حکمرانی خوب، برآورد شد. این روش آماری بدون نیاز به مفروضات علّی یا ساختاری، از طریق تجزیه طیفی ماتریس همبستگی بین متغیرها، مؤلفه‌هایی جدید و غیرهمبسته استخراج می‌کند که ترکیب‌های خطی بهینه‌ای از شاخص‌های اولیه هستند. مؤلفه اول به‌گونه‌ای تعریف می‌شود که بیشترین واریانس مشترک بین این شش شاخص را در برگیرد، در حالی‌که مؤلفه‌های بعدی به‌صورت متعامد با مؤلفه اول قرار دارند و هر یک واریانس باقیمانده را در جهتی مستقل توضیح می‌دهند. بردارهای ویژه[4] به‌دست‌آمده در این فرآیند، وزن‌های نسبی هر شاخص را در مؤلفه‌ها تعیین می‌کنند و مقادیر ویژه[5] نیز میزان تبیین واریانس هر مؤلفه را مشخص می‌سازند. این روش، به‌طور خاص، در ادبیات حکمرانی برای تلفیق شاخص‌های چند بعدی در یک نمایه ترکیبی معتبر و مقایسه‌پذیر بین کشورها کاربرد گسترده‌ای دارد.

بنابراین، پس از استفاده از این دو روش، دو شاخص تجمیعی برای حکمرانی خوب خواهیم داشت. از این دو شاخص برای برآورد مدل خودرگرسیونی برداری بین ۱۵۴ کشور دنیا در دوره ۲۰۲۲-۲۰۰۷ استفاده خواهد شد.



شکل ۱. مراحل انجام پژوهش

منبع: یافته‌های پژوهش

مدل ریاضی مربوط به خودگرسیونی برداری که در این پژوهش مورد برآورد قرار می‌گیرد، به شرح زیر است. در این معادلات، سه متغیر سرمایه اجتماعی SC (شاخص ارائه شده توسط موسسه لگاتوم)، رشد اقتصادی G (به‌عنوان متغیر کنترلی در مدل) و شاخص موزون حکمرانی خوب $Gover$ مدل‌سازی می‌شوند. به‌عبارت دیگر، این مدل یک‌بار با استفاده از شاخص حکمرانی خوب موزون‌شده با روش مؤلفه‌های اصلی و یک‌بار نیز با شاخص موزون‌شده با روش معادلات ساختاری برآورد خواهد شد. لازم به ذکر است که انتخاب مدل بردار خودرگرسیونی در داده‌های تابلویی برای این مطالعه از منظر نظری و روش‌شناختی کاملاً موجه و ضروری است؛ زیرا ماهیت رابطه میان سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب ذاتاً پویا، دوسویه و درون‌زا است. برخلاف مدل‌های

[1] Dimensionality Reduction
[2] Orthogonal Components
[3] Principal Component Analysis – PCA
[4] Eigenvectors
[5] Eigenvalues

تک‌معادله‌ای که به یک رابطه علّی خطی و یک‌طرفه محدود می‌شوند، مدل PVAR امکان تحلیل بازخور متقابل[1] و پویایی بین‌دوره‌ای[2] را در میان متغیرها فراهم می‌سازد. در چارچوب نظری این پژوهش، سرمایه اجتماعی هم متأثر از حکمرانی خوب است (از طریق اعتماد نهادی، کاهش فساد و پاسخ‌گویی) و هم خود عاملی برای ارتقاء کیفیت حکمرانی (با کاهش هزینه‌های نظارت و افزایش مشارکت مدنی) محسوب می‌شود؛ بنابراین، مدل‌سازی هم‌زمان آن‌ها در قالب یک سیستم معادلات پویای پانلی ضرورت دارد[3]. افزون بر این، داده‌های این مطالعه شامل مشاهدات طولی برای ۱۵۴ کشور طی سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۲۲ است که هم وابستگی مقطعی و هم ناهمسانی زمانی را به همراه دارد؛ شرایطی که مدل PVAR با ترکیب مزایای داده‌های پانلی و خودرگرسیون برداری، به‌خوبی از عهده کنترل آن‌ها برمی‌آید. همچنین، استفاده از روش GMM سیستمی در چارچوب PVAR ، امکان تخمین بدون تورش را در حضور درون‌زایی، متغیرهای تأخیری و ناایستایی فراهم می‌کند. بدین ترتیب، PVAR نه‌تنها سازگار با ماهیت نظری موضوع است، بلکه در سطح تکنیکی نیز دقیق‌ترین ابزار برای تحلیل علیت پویا میان حکمرانی، سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی در بستر تفاوت‌های ساختاری کشورها محسوب می‌شود.

$$\Delta SC_t = \alpha_1 + \sum_{i=1}^{n} \beta_{1i}\, \Delta SC_{t-i} + \sum_{i=1}^{n} \gamma_{1i}\, \Delta Gover_{t-i} + \sum_{i=1}^{n} \delta_{1i}\, \Delta G_{t-i} + \epsilon_{1t} \quad (۱)$$

$$\Delta Gover_t = \alpha_2 + \sum_{i=1}^{n} \beta_{2i}\, \Delta SC_{t-i} + \sum_{i=1}^{n} \gamma_{2i}\, \Delta Gover_{t-i} + \sum_{i=1}^{n} \delta_{2i}\, \Delta G_{t-i} + \epsilon_{2t} \quad (۲)$$

$$\Delta G_t = \alpha_3 + \sum_{i=1}^{n} \beta_{3i}\, \Delta SC_{t-i} + \sum_{i=1}^{n} \gamma_{3i}\, \Delta Gover_{t-i} + \sum_{i=1}^{n} \delta_{3i}\, \Delta G_{t-i} + \epsilon_{3t} \quad (۳)$$

به‌منظور مقایسه گروه‌های درآمدی، کشورهای دنیا به دو دسته درآمدی تقسیم می‌شوند: ۱. کشورهایی که درآمدشان بیش از متوسط است (۹۶ کشور) ۲. کشورهایی که درآمد کمتر از متوسط دارند (۵۴ کشور). این دسته‌بندی بر اساس تعریف بانک جهانی انتخاب شده است[4]. بنابراین، برآوردها در دوره ۲۰۲۲–۲۰۰۷ برای هر دو دسته کشورها و بر اساس هر دو شاخص موزون‌شده سرمایه اجتماعی انجام می‌شود و داده‌ها با هم مقایسه خواهند شد. لازم به ذکر است که تمامی متغیرهای مدل به‌صورت لگاریتمی مورد استفاده قرار می‌گیرند. استفاده لگاریتمی از متغیرها، علاوه بر آن‌که سبب برآوردهایی بهتر خواهد شد، می‌تواند در تفسیرهای نهایی نیز به دلیل تبدیل ضرایب به کشش‌ها، کمک شایانی داشته باشد.

---

[1] Feedback Effects

[2] Intertemporal Dynamics

[3] علاوه بر این، طیف وسیعی از مطالعات انجام‌شده به این موضوع تأکید دارند که رشد اقتصادی نیز متغیری است که هم بر سرمایه اجتماعی مؤثر است و هم می‌تواند از آن تأثیر بگیرد. علاوه براین، حکمرانی خوب و رشد اقتصادی نیز رابطه متقابلی با یکدیگر دارند. به‌عبارت دیگر، ورود متغیر رشد اقتصادی به مدل حاضر، از منظر نظری و تجربی کاملاً توجیه‌پذیر است، زیرا رشد اقتصادی نه‌تنها متأثر از سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب است، بلکه خود به‌عنوان یک عامل مؤثر می‌تواند تغییرات در این دو متغیر را توضیح دهد. بر اساس مطالعات بنیادینی مانند (ناک و کیفر، ۱۹۹۷)، کشورهایی که از سطح بالاتری از سرمایه اجتماعی برخوردارند، به دلیل کاهش هزینه‌های مبادله، اعتماد بیشتر و انسجام نهادی، رشد اقتصادی پایدارتری را تجربه می‌کنند. همچنین، پژوهش‌هایی نظیر (کافمن، ۱۹۹۹؛ بارانسکوف، ۲۰۰۹؛ دلیری، ۲۰۲۴) نشان داده‌اند که حکمرانی خوب از طریق تقویت حاکمیت قانون، کنترل فساد و اثربخشی دولت، بستر لازم برای جذب سرمایه‌گذاری، کارایی بازار و در نتیجه رشد اقتصادی را فراهم می‌آورد. از سوی دیگر، رشد اقتصادی نیز می‌تواند بازخورد مثبتی بر سرمایه اجتماعی و حکمرانی داشته باشد، چرا که توسعه اقتصادی منجر به گسترش فرصت‌ها، تقویت طبقه متوسط، ارتقاء آموزش و در نهایت افزایش مشارکت مدنی و اعتماد عمومی می‌شود (روثنسن و اسلانر، ۲۰۰۵). بنابراین، به دلیل وجود این تعامل‌های علیِ دوسویه میان رشد اقتصادی، سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب، ورود رشد اقتصادی به‌عنوان متغیر درون‌زای مکمل در مدل PVAR ، ضروری و از نظر مفهومی سازگار با ساختار تحلیلی مطالعه است.

[4] براساس آخرین دسته‌بندی بانک جهانی، کشورهای کم درآمد(low-income economies) آن‌هایی هستند که درآمدی کمتر از ۱۱۴۵ دلار دارند. کشورهایی با درآمد کمتر از متوسط(lower-middle income economies) درآمد بین ۱۱۴۶ تا ۴۵۱۵ دلار دارند. کشورهای بالاتر از متوسط (upper-middle-income economies) درآمدی بین ۴۵۱۶ تا ۱۴۰۰۵ دارند و کشورهای پر درآمد (high-income economies) نیز درآمدی بالاتر از ۱۴۰۰۶ دلار دارند.

۴. یافته‌های پژوهش

جدول (۱) خلاصه‌ای از آمار توصیفی داده‌های مورد استفاده در پژوهش حاضررا نشان می‌دهد.. با توجه به جدول مشاهده می‌شود که تقریباً در تمامی متغیرها، میانگین شاخص برای کشورهای با درآمد بیشتر از متوسط بهتر از کشورهای کم درآمد است. این تفاوت در سرمایه اجتماعی اندک است، اما در سایر شاخص‌ها، به‌ویژه در شاخص‌های مربوط به حکمرانی، بسیار چشمگیر است؛ به گونه‌ای که برای کشورهای پر درآمد، شاخص‌های حکمرانی خوب چندین برابر بزرگ‌تر از کشورهای با درآمد کمتر از متوسط است.

جدول ۱. آمار توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش[۱]

	کشورهای با درآمد کمتر از متوسط				کشورهای با درآمد بیشتر از متوسط			
متغیرها	میانگین	انحراف	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف	حداقل	حداکثر
سرمایه اجتماعی	۳/۸۵۶	۰/۱۵۸	۳/۰۲۲	۴/۲۷۹	۳/۹۹۰	۰/۱۸۱	۳/۴۲۷	۴/۴۰۲
حکمرانی خوب۱	-۰/۴۲۷	۰/۳۲۵	-۰/۹۷۷	۰/۵۶۸	۰/۲۸۸	۰/۵۷۵	-۱/۰۱۸	۱/۱۷۱
حکمرانی خوب۲	-۱/۷۱۸	۱/۲۰۸	-۳/۸۳۴	۱/۹۹۸	۱/۰۴	۲/۰۹۵	-۴/۱۵۸	۴/۲۱۸
رشد اقتصادی	۰/۷۶۱	۱/۲۴۱	-۳/۶۳۲	۳/۰۴۲	۰/۶۲۸	۱/۳۶۹	-۴/۰۹۲	۵/۰۲۰

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول (۲) ضرایب همبستگی بین شاخص سرمایه اجتماعی و زیر بخش‌های شاخص حکمرانی خوب را نشان می‌دهد. با توجه به جدول می‌توان دریافت که به‌جز در یک مورد (همبستگی «حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی» با سرمایه اجتماعی در کشورهای با درآمد کمتر از متوسط)، در تمامی موارد دیگر، همبستگی قابل توجه و معناداری بین سرمایه اجتماعی و شاخص‌های حکمرانی خوب وجود دارد. جالب توجه است که در تمامی شاخص‌ها، همبستگی بین سرمایه اجتماعی و شاخص‌های حکمرانی خوب در دو سر طیف درآمدی کشورها بیشتر از درآمد میانه است؛ به‌عبارت دیگر، در سطوح اولیه درآمدی احتمالاً بازدهی فزاینده وجود داشته و در سطوح میانه از میزان این بازدهی کاسته می‌شود. در نهایت، برای کشورهای پر درآمد، همبستگی بسیار بالاتری بین سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب برقرار است.

جدول ۲. همبستگی بین سرمایه اجتماعی و شاخص‌های حکمرانی خوب در گروه‌های درآمدی[۲]

شاخص حکمرانی خوب	کم درآمد	کمتر از متوسط	بیشتر از متوسط	پردرآمد
کنترل فساد	۰/۳۱***	۰/۱۶***	۰/۱۹***	۰/۶۵***
حاکمیت قانون	۰/۳۵***	۰/۲۱***	۰/۲۸***	۰/۵۹***
کیفیت نظارت	۰/۲۸***	۰/۲۲***	۰/۱۲***	۰/۴۹***
اثربخشی دولت	۰/۳۹***	۰/۳۹***	۰/۲۶***	۰/۵۳***
ثبات سیاسی و عدم وجود خشونت	۰/۱۵***	۰/۲۶***	۰/۲۰***	۰/۳۳***
حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی	۰/۲۵***	-۰/۰۲	۰/۰۸**	۰/۲۲***
شاخص حکمرانی خوب۱	۰/۳۸***	۰/۲۷***	۰/۲۷***	۰/۶۱***
شاخص حکمرانی خوب۲	۰/۳۵***	۰/۲۵***	۰/۲۲***	۰/۵۳***

منبع: یافته‌های پژوهش

[۱] توضیح: «حکمرانی خوب۱» شاخص موزون‌شده با معادلات ساختاری و «حکمرانی خوب ۲» شاخص موزون‌شده با روش مؤلفه‌های اصلی است. تمامی شاخص‌ها به‌صورت لگاریتمی مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

[۲] توضیح: ***نشان‌دهنده معناداری بیش از ۹۹ درصدی و** نشان‌دهنده معناداری بیش از ۹۵ درصدی است.

اولین بخش از پژوهش با استفاده از مدل‌های معادلات ساختاری و برآورد مؤلفه‌های اصلی شاخص تجمیعی حکمرانی خوب برای کشورهای مورد بررسی محاسبه شد[۱]. جدول (۳) نشان‌دهنده نتایج حاصل از وزن هر یک از این شاخص‌ها است. برآورد معادلات ساختاری نشان می‌دهد که مدل به‌صورت کلی معنادار است (مقدار آماره معناداری کل مدل ۸۴۶/۷۴ است که در سطح بیش از ۹۹ درصد معنادار خواهد بود). مقدار آماره آزمون نسبت احتمال (LR) برابر با ۸۴۶/۷۴ و با مقدار احتمال کمتر از یک درصد، تأیید می‌کند که مدل مشخص‌شده نسبت به مدل اشباع‌شده، به‌طور معناداری بهتر برازش یافته است. بارهای عاملی همه شاخص‌های حکمرانی خوب بر متغیر پنهان بین ۰/۷۳ (ثبات سیاسی) تا ۱/۰۱ (حاکمیت قانون) بوده و همگی در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار هستند، که حاکی از اعتبار نظری بالا و قدرت تبیین مناسب شاخص ترکیبی است. برآورد با روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی نیز نشان می‌دهد که شش مؤلفه اصلی استخراج شده‌اند و تنها مقدار ویژه برای مؤلفه اول ۵/۰۶۸ از یک بزرگتر است. این مؤلفه بیش از ۸۴/۴ درصد از تغییرات متغیر پنهان را توضیح می‌دهد. به‌عبارت دیگر، مؤلفه اول، همگرایی بسیار بالایی با همه شاخص‌های حکمرانی دارد و می‌تواند به‌عنوان یک شاخص ترکیبی معتبر از حکمرانی خوب در سطح بین‌المللی مورد استفاده قرار گیرد. ضرایب مؤلفه اول برای هر شش شاخص در بازه ۰/۳۷۰ تا ۰/۴۳۳ قرار دارند و از لحاظ قدر مطلق بسیار نزدیک به یکدیگر هستند، که نشان‌دهنده مشارکت متوازن و هم‌وزن شاخص‌ها در تبیین مفهوم نهفته حکمرانی خوب است. بنابراین می‌توان شش شاخص حکمرانی خوب را با توجه به ضرایب فوق تجمیع کرد. از این پس شاخص تجمیعی شاخص موزون‌شده با معادلات ساختاری به‌عنوان شاخص حکمرانی خوب۱ و شاخص موزون‌شده با روش مؤلفه‌های اصلی به‌عنوان شاخص حکمرانی خوب۲ معرفی می‌شود.

جدول ۳. وزن‌های برآوردشده برای هر یک از شاخص‌های حکمرانی خوب[۲]

شاخص‌های حکمرانی خوب	روش معادلات ساختاری	روش مؤلفه‌های اصلی
کنترل فساد	۱/۰۰***	۰/۴۲۵
حاکمیت قانون	۱/۰۱***	۰/۴۳۳
کیفیت نظارت	۰/۹۴۸***	۰/۴۱۸
اثربخشی دولت	۰/۹۷۹***	۰/۴۲۵
ثبات سیاسی و عدم وجود خشونت	۰/۷۳۶***	۰/۳۷۰
حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی	۰/۸۰۹***	۰/۳۷۳

منبع: یافته‌های پژوهش

قبل از برآورد مدل و به‌منظور اجتناب از برآورد رگرسیون کاذب، آزمون ریشه واحد لوین–لین–چو[۳] برای داده‌های مدل در هر دو دسته کشورهای با درآمد بیشتر از متوسط و کشورهای با درآمد کمتر از متوسط انجام شد. با توجه به جدول (۴)، تمامی متغیرهای مدل در سطح مانا هستند؛ بنابراین بدون نگرانی درباره رگرسیون کاذب، می‌توان مدل را برآورد نمود.

جدول ٤. برآورد آزمون مانایی لوین–لین–چو

متغیرها	درآمد کمتر از متوسط	درآمد بیشتر از متوسط
سرمایه اجتماعی	-۲/۸۱***	-۲/۵۳***
حکمرانی خوب۱	-۴/۶۸***	-۳/۱۵***
حکمرانی خوب۲	-۴/۴۷***	-۳/۵۴***

[۱] به‌منظور خلاصه‌تر شدن صفحات مقاله از گزارش مراحل اولیه برآورد روش مؤلفه‌های اصلی و معادلات ساختاری اجتناب می‌شود و تنها وزن‌های هر یک از شش شاخص حکمرانی خوب که با این دو روش برآورد شده است، در اینجا گزارش شده است.

[2] ***نشان ها در روش معادلات ساختاری است.داری بیش از ۹۹ درصدی وزن‌دهنده معنا توضیح:

[3] Levin–Lin–Chu unit-root test

رشد اقتصادی	***-۱۰/۶	***-۱۷/۸

منبع: یافته‌های پژوهش

برای برآورد مدل‌های خودرگرسیون برداری، تعداد وقفه‌های بهینه برای مدل با استفاده از آماره‌های آکائیک، حنان کوئین و شوراتز بیزین انتخاب شد و مدل بر اساس روش GMM برآورد می‌شود. به‌منظور تأیید همگرایی مدل، مقادیر ویژه برای هر یک از چهار مدل خودرگسیون برداری مورد بررسی در این پژوهش برآورد شد. نتایج جدول (۵) نشان می‌دهدکه تمامی مقادیر ویژه کمتر از یک بوده و بنابراین مدل همگرا خواهد بود.

جدول ۵. برآورد مقادیر ویژه برای هر یک از مدل‌های خودرگرسیون برداری[1]

ساختار مدل		مقادیر ویژه		
کشورهای با درآمد کمتر از متوسط	مدل ۱. حکمرانی خوب۱	-۰/۳۸۵	-۰/۱۹۵	۰/۰۷۱
	مدل ۲. حکمرانی خوب۲	-۰/۳۷۰	۰/۱۵۱	-۰/۱۴۰
کشورهای با درآمد بیشتر از متوسط	مدل ۳. حکمرانی خوب۱	-۰/۴۰۴	۰/۰۹۲	-۰/۰۸۸
	مدل ۴. حکمرانی خوب۲	-۰/۳۶۹	۰/۰۹۳	-۰/۰۶۹

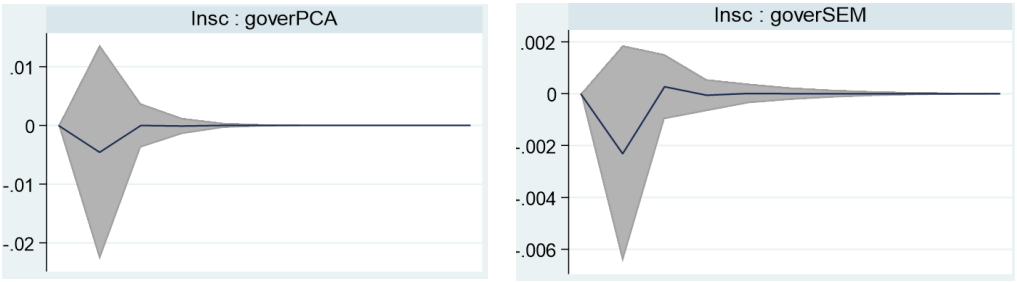
منبع: یافته‌های پژوهش

در اولین گام به بررسی اثر شوک سرمایه اجتماعی بر حکمرانی خوب می‌پردازیم. با توجه به نتایج، شکل(۳) نشان‌دهنده اثر شوک مثبت سرمایه اجتماعی بر حکمرانی خوب در کشورهای با درآمد بالاتر از متوسط است. نتایج حاکی از آن است که شوک اولیه سرمایه اجتماعی تأثیری منفی اما کوتاه‌مدت بر حکمرانی خوب دارد که به سرعت کاهش می‌یابد و اثر به‌سمت صفر همگرا می‌شود. البته با توجه به سطوح معناداری، می‌توان دریافت که این اثر تفاوت معناداری با صفر نداشته است. از این رو، در کشورهای با درآمد بیشتر از متوسط، سرمایه اجتماعی اثر معناداری بر حکمرانی خوب ندارد. سرعت تعدیل اثر نشان‌دهنده‌ی انعطاف‌پذیری نهادی است؛ نهادهای قوی در این کشورها قادرند به‌سرعت اثرات شوک‌های خارجی را جذب و خنثی کنند و همچنین، اشباع سرمایه اجتماعی (سطح بالای موجود) باعث می‌شود افزایش اضافی آن تأثیر حداقلی بر حکمرانی داشته باشد. با توجه به شکل (۴)، برای کشورهای با درآمد کمتر از متوسط و برای هر دو شاخص حکمرانی خوب، می‌توان دریافت که شوک سرمایه اجتماعی اثر اولیه مثبتی بر حکمرانی خوب دارد، البته این اثر به سرعت کاهش می‌یابد و به‌سمت صفر همگرا می‌شود. این نتیجه از فرضیه‌ی مکمل بودن نهادها در این دسته از کشورها حمایت می‌کند. هم‌راستا با ایده نورث (۱۹۹۰) در غیاب نهادهای رسمی قوی، سرمایه اجتماعی به‌عنوان جایگزین کارکردی عمل کرده و شکاف‌های حکمرانی را پر می‌کند. سرمایه اجتماعی با تسهیل هماهنگی جمعی، کاهش هزینه‌های مبادله و افزایش نظارت غیررسمی بر مسئولان، بهبود شاخص‌هایی مانند «اثربخشی دولت» و «کنترل فساد» و در نهایت بهبود کیفیت حکمرانی را تسهیل می‌کند. در این دسته از کشورها، شوک مثبت سرمایه اجتماعی می‌تواند منجر به خلق چرخه فضیلت شود: اعتماد بیشتر ⟶ مشارکت مدنی بالاتر ⟶ پاسخ‌گویی بیشتر نهادها؛ و از این طریق حکمرانی ارتقا می‌یابد.

مقایسه نتایج در دو گروه درآمدی نشان می‌دهد که در کشورهای با درآمد بیشتر از متوسط، شوک اولیه سرمایه اجتماعی تأثیری منفی (غیرمعنادار) کوتاه‌مدت بر حکمرانی خوب دارد، در حالی‌که در کشورهای با درآمد کمتر از متوسط، اثر اولیه شوک مثبت است. در هر دو گروه از کشورها، اثر شوک سرمایه اجتماعی به‌سرعت کاهش می‌یابد و به‌سمت صفر میل می‌کند، اما در کشورهای با درآمد کمتر از متوسط، این کاهش آهسته‌تر رخ داده و ماندگاری اثرات مثبت افزایش سرمایه اجتماعی بر حکمرانی خوب، بیشتر

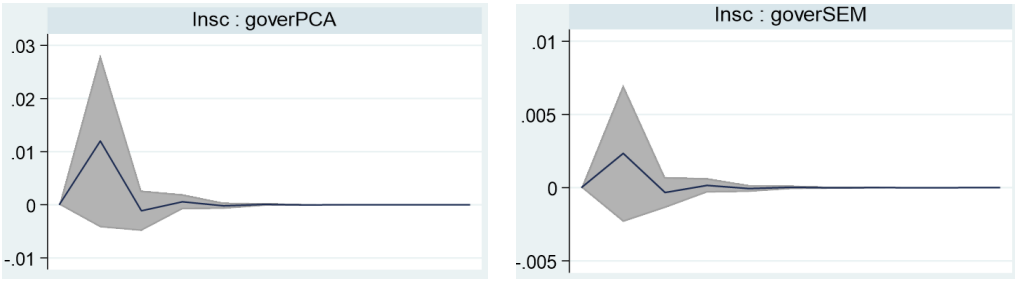
[1] های اصلی است.شده با روش مؤلفه‌شده با معادلات ساختاری و حکمرانی خوب ۲ شاخص موزون توضیح: حکمرانی خوب۱ شاخص موزون

است. بنابراین می‌توان دریافت که در کشورهای با درآمد کمتر از متوسط، سرمایه اجتماعی تأثیر مثبتی بر حکمرانی خوب دارد، در حالی‌که در کشورهای با درآمد بالاتر، این تأثیر منفی و غیرمعنادار است. این یافته‌ها از ایده «منحنی U وارون‌شده تأثیر سرمایه اجتماعی» حمایت می‌کنند، به گونه‌ای که در مراحل اولیه‌ی توسعه (کم درآمد)، سرمایه اجتماعی پیش‌نیاز حکمرانی خوب است. در مراحل پیشرفته (پر درآمد)، نهادهای رسمی کارکردهای سرمایه اجتماعی را جذب می‌کنند و نقش آن حاشیه‌ای می‌شود. بنابراین، سطح توسعه‌ی اقتصادی به‌عنوان یک متغیر آستانه‌ای عمل می‌کند؛ یعنی پس از عبور از یک حد آستانه (مثلاً درآمد سرانه‌ی مشخص)، رابطه‌ی سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب تضعیف می‌شود.



الف. شاخص موزون حکمرانی خوب معادلات ساختاری ب. شاخص موزون حکمرانی خوب مولفه های اصلی

شکل ۳. اثر شوک سرمایه اجتماعی بر حکمرانی خوب در کشورهای با درآمد بیشتر از متوسط



الف. شاخص موزون حکمرانی خوب معادلات ساختاری ب. شاخص موزون حکمرانی خوب مؤلفه‌های اصلی

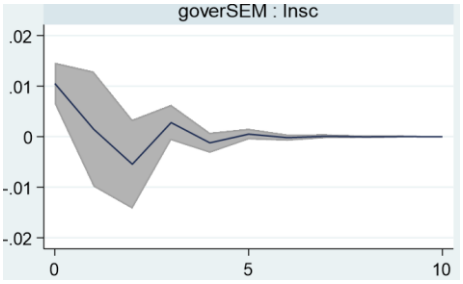
شکل ٤. اثر شوک سرمایه اجتماعی بر حکمرانی خوب در کشورهای با درآمد کمتر از متوسط



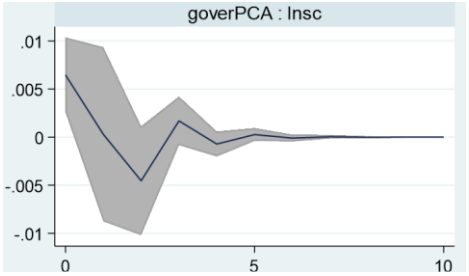
منبع: یافته‌های پژوهش

بررسی اثر شوک حکمرانی خوب بر سرمایه اجتماعی (شکل ۵) نشان می‌دهد که در کشورهای با درآمد بالاتر از متوسط، شوک حکمرانی خوب تأثیر افزایشی کوتاه‌مدت بر سرمایه اجتماعی دارد که این اثر پس از گذشت زمان کاهش می‌یابد و سرمایه اجتماعی به حالت تعادل بازمی‌گردد. دامنه نوسانات در این کشورها کمتر بوده و بازگشت به تعادل سریع‌تر رخ می‌دهد، که نشان‌دهنده پایداری بیشتر نهادهای حکمرانی و ساختارهای اجتماعی در این گروه از کشورها است. به‌عبارت دیگر، این پدیده با نظریه‌ی تعادل نهادی پایدار نورث هم‌خوانی دارد. در این کشورها، نهادهای حکمرانی به‌حدی قوی و نهادینه شده‌اند که شوک‌های مثبت تنها باعث انحراف موقت از تعادل می‌شوند. بهبود حکمرانی (مثل کاهش فساد یا شفافیت) به‌سرعت اعتماد نهادی را افزایش می‌دهد، اما به دلیل اشباع نسبی سرمایه اجتماعی، این اثر گذراست. شبکه‌های اجتماعی از پیش موجود، نیاز به تحول ساختاری گسترده ندارند. بنابراین، دامنه نوسان کوچک‌تر در این کشورها نشان می‌دهد که ساختارهای اجتماعی در این کشورها به دلیل وجود سرمایه اجتماعی انباشته و نهادهای جبران‌کننده (مانند نظام قضایی مستقل)، کمتر در معرض نوسانات قرار می‌گیرند. در مقابل، در کشورهای با درآمد پایین‌تر از متوسط (شکل ۶)، شوک حکمرانی خوب افزایش بیشتری در سرمایه اجتماعی ایجاد می‌کند و بازگشت به تعادل بسیار کندتر صورت می‌گیرد. دامنه نوسانات نیز در این کشورها بزرگ‌تر است و سرمایه اجتماعی تأثیر بیشتری در برابر تغییرات

حکمرانی نشان می‌دهد. وجود تأثیر بزرگتر از سوی حکمرانی بر سرمایه اجتماعی از این ایده حمایت می‌کند که در غیاب نهادهای قوی، هر بهبود در حکمرانی می‌تواند چرخه‌های فضیلت ایجاد کند، به گونه‌ای که شوک مثبت حکمرانی (مثلاً اصلاح قوانین ضد فساد) ⟶ افزایش اعتماد به نهادها ⟶تقویت همکاری داوطلبانه و شبکه‌های اجتماعی ⟶انباشت تدریجی سرمایه اجتماعی ، را سبب خواهد شد. ماندگاری بیشتر اثرات مثبت نیز می‌تواند به این دلیل باشد که بهبودهای نهادی اولیه، هنجارهای اجتماعی مثبت را در این دسته از کشورها فعال می‌کنند که حتی پس از تضعیف نسبی حکمرانی، اثراتشان باقی می‌ماند. بر اساس مبانی نظری، حکمرانی خوب از طریق ایجاد اعتماد نهادی، کاهش فساد، شفافیت و تقویت حاکمیت قانون به ارتقای سرمایه اجتماعی کمک می‌کند. در کشورهای با درآمد بالاتر از متوسط، به دلیل وجود زیرساخت‌های حکمرانی قوی و نهادهای پایدار، اثر شوک حکمرانی خوب پایدارتر و باثبات‌تر است. نهادهای قوی و ساختارهای کارآمد در این کشورها زمینه تقویت سرمایه اجتماعی ساختاری و شناختی (مانند اعتماد و شبکه‌های اجتماعی) را فراهم می‌کنند. در کشورهای با درآمد پایین‌تر از متوسط، به دلیل کیفیت پایین شاخص‌های حکمرانی خوب، بروز شوک‌های مثبت در این شاخص‌ها، اثرات قوی‌تر و بزرگتری بر بهبود سرمایه اجتماعی دارد. به دیگر سخن، در کشورهای پردرآمد، بهبود حکمرانی بازدهی حدی نزولی در سرمایه اجتماعی دارد (به‌دلیل سطح اشباع)، اما در کشورهای کم درآمد، بهبود حکمرانی بازدهی فزاینده ایجاد می‌کند (به دلیل شکاف‌های نهادی گسترده). به‌گونه‌ای که، در اقتصادهای درحال توسعه، شوک‌های مثبت حکمرانی می‌توانند «پنجره‌های تحول نهادی» باز کنند که اثراتشان به‌طور غیرخطی تقویت می‌شود.

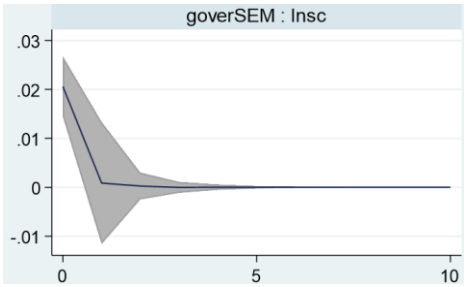


الف. شاخص موزون حکمرانی خوب معادلات ساختاری

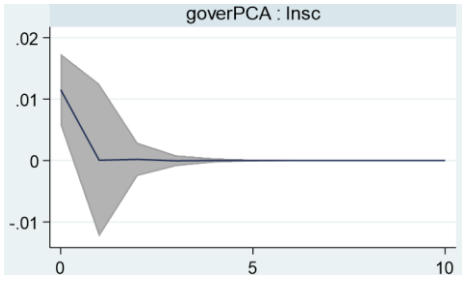


ب. شاخص موزون حکمرانی خوب مولفه های اصلی

شکل ۵. اثر شوک حکمرانی خوب بر سرمایه اجتماعی در کشورهای با درآمد بیشتر از متوسط



الف. شاخص موزون حکمرانی خوب معادلات ساختاری



ب. شاخص موزون حکمرانی خوب مؤلفه‌های اصلی

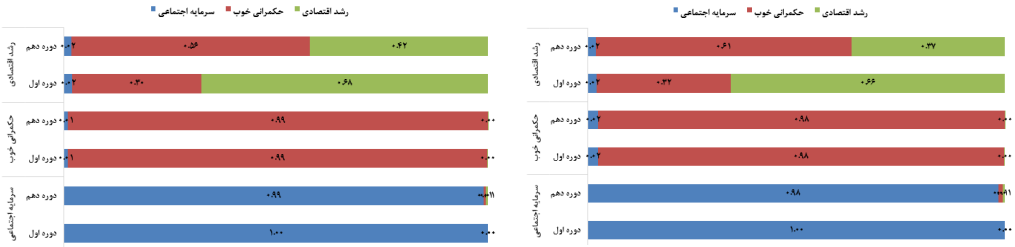
شکل ٦. اثر شوک حکمرانی خوب بر سرمایه اجتماعی در کشورهای با درآمد کمتر از متوسط



منبع: یافته‌های پژوهش

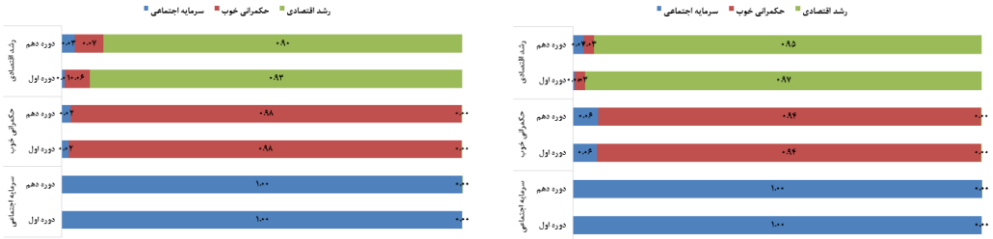
بررسی نتایج حاصل از تجزیه واریانس تأثیر شوک‌های سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب در شکل (۷) و (۸) مشخص شده است. در هر دو گروه درآمدی، عمده تغییرات سرمایه اجتماعی در کوتاه‌مدت و حتی پس از گذشت ده دوره بعد از شوک، توسط خود متغیر سرمایه اجتماعی توضیح داده می‌شود. تنها در کشورهای پر درآمد، پس از گذشت ده دوره، تقریباً یک درصد از تغییرات

سرمایه اجتماعی توسط رشد اقتصادی تبیین می‌شود. بنابراین، نتایج نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی پایدار و به‌شدت خودتوضیحی است. تغییرات شاخص حکمرانی خوب تقریباً در کوتاه‌مدت و بلندمدت تفاوت چندانی ندارد؛ برای شاخص حکمرانی خوب ۱ تقریباً شش درصد و برای حکمرانی خوب۲ تقریباً دو درصد از تغییرات، توسط سرمایه اجتماعی توضیح داده می‌شود. برای کشورهای پر درآمد، این مقادیر کمتر بوده و به ترتیب دو و یک درصد است. به‌عبارت دیگر، می‌توان دریافت که سرمایه اجتماعی در کشورهای با درآمد کمتر از متوسط اثرات قوی‌تر و ماندگارتری بر حکمرانی دارد.



الف. شاخص موزون حکمرانی خوب معادلات ساختاری ب. شاخص موزون حکمرانی خوب مؤلفه‌های اصلی

شکل ۷. تجزیه واریانس اثر شوک حکمرانی خوب بر سرمایه اجتماعی در کشورهای با درآمد بیشتر از متوسط



الف. شاخص موزون حکمرانی خوب معادلات ساختاری ب. شاخص موزون حکمرانی خوب مؤلفه‌های اصلی

شکل ۸. تجزیه واریانس اثر شوک حکمرانی خوب بر سرمایه اجتماعی در کشورهای با درآمد کمتر از متوسط

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به نتایج، هفت درصد از تغییرات رشد اقتصادی در کشورهای با درآمد کمتر از متوسط در کوتاه‌مدت و بیش از ۱۰ درصد در بلندمدت ناشی از حکمرانی خوب است. جالب توجه است که بیش از ۵۶ درصد از تغییرات کوتاه‌مدت رشد اقتصادی و نزدیک به ۳۰ درصد تغییرات بلندمدت رشد اقتصادی در کشورهای با درآمد بیشتر از متوسط ناشی از نوسانات حکمرانی خوب است. سرمایه اجتماعی نیز برای کشورهای پردرآمد نزدیک به دو درصد تغییرات رشد و در کشورهای کم درآمد تا هفت درصد تغییرات رشد بلندمدت را تبیین می‌کند.

بررسی نتایج پژوهش نشان می‌دهد که نتایج حاضر با بسیاری از مطالعات گذشته همسو است. نخست، یافته‌های مدل معادلات ساختاری نشان می‌دهد که حکمرانی خوب، اثر مثبت و معناداری بر سطح سرمایه اجتماعی دارد. این نتیجه با این استدلال که سرمایه اجتماعی بالا از طریق افزایش اعتماد عمومی، تعامل سازنده با نهادها و حمایت از ابتکارات دولتی می‌تواند کیفیت نظارت و اثربخشی سیاست‌ها را ارتقا دهد، مطابق با دیدگاه‌های هان و یان (۲۰۱۹) و بارانسکوف (۲۰۰۹) است. همچنین، نتایج نشان می دهد که متغیرهای مربوط به کنترل فساد، پاسخ‌گویی و حاکمیت قانون بیشترین بار عاملی را در تبیین حکمرانی خوب دارند؛ این امر نیز با مسیر اثرگذاری «ارتقای پاسخ‌گویی و کاهش فساد» و «تقویت حاکمیت قانون»که در مبانی نظری معرفی شده است، هم‌خوانی دارد، جایی‌که نقش نظارت اجتماعی، اعتماد عمومی و انسجام هنجاری در تقویت ساختارهای رسمی و کاهش فساد مورد تأکید قرار گرفته است که مطابق با یافته‌های خان (۲۰۲۰)و یانگ (۲۰۱۴) است. از سوی دیگر، ماهیت پویای نتایج مدل PVAR که نشان‌دهنده وجود رابطه علّی دوطرفه بین حکمرانی خوب و سرمایه اجتماعی در گذر زمان است، با مطالعاتی که بر هم‌افزایی و تعامل دوسویه میان این دو سازه تأکید دارند، مانند فیست، ۲۰۲۰؛ آریا و همکاران ۲۰۲۳ کاملاً منطبق است. این الگو از پویایی

رابطه را می‌توان در این مسیر نیز تبیین نمود: سرمایه اجتماعی موجب تسهیل حکمرانی مشارکتی و ارتقای ظرفیت پاسخ‌گویی نهادها در برابر نیازهای جمعی است و در عین حال، حکمرانی خوب شرایط نهادی لازم برای شکوفایی سرمایه اجتماعی را فراهم می‌آورد. به‌طور کلی، این مطالعه تأیید می‌کند که مسیرهای نظری مطرح‌شده در ادبیات جدید در عمل قابل ردیابی و آزمون‌پذیر هستند و شواهد تجربی آن با بدنه مطالعاتی جدید، از جمله آثار ایبیتومی و همکاران، ۲۰۲۴؛ هان و یان، ۲۰۱۹؛ اسمکوسکی، ۲۰۱۸ سازگار است.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نتایج این پژوهش به‌وضوح نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب دارای روابط متقابل و پویایی هستند و شدت تأثیر این روابط در کشورهای مختلف، به‌ویژه در دسته‌بندی‌های درآمدی متفاوت است. در کشورهای با درآمد کمتر از متوسط، تأثیر سرمایه اجتماعی بر حکمرانی خوب مثبت و معنادار است؛ اما در کشورهای با درآمد بیشتر از متوسط، این تأثیر غیرمعنادار و عمدتاً خنثی است. این تفاوت را می‌توان به ضعف یا قوت زیرساخت‌های حکمرانی و کیفیت شبکه‌های اجتماعی در این کشورها نسبت داد. یکی از نکات کلیدی این مطالعه، ماندگاری اثرات سرمایه اجتماعی در کشورهای کم‌درآمد است که نشان می‌دهد سرمایه اجتماعی می‌تواند نقش مهم‌تری در تقویت حکمرانی خوب و کاهش هزینه‌های نهادی ایفا کند. این در حالی است که در کشورهای پر درآمد به دلیل وجود زیرساخت‌های نهادی قوی، تغییرات سرمایه اجتماعی تأثیر قابل توجهی بر حکمرانی ندارد و این نقش بیشتر در پایدارسازی شاخص‌ها محدود می‌شود. تحلیل اثر حکمرانی خوب بر سرمایه اجتماعی نیز حاکی از آن است که در کشورهای پر درآمد، شوک‌های مثبت حکمرانی، تأثیرات پایدارتری بر تقویت سرمایه اجتماعی دارند، اما این تأثیرات در کشورهای کم درآمد بزرگتر اما موقتی‌تر هستند. این نتیجه، اهمیت سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های حکمرانی و تقویت شفافیت و پاسخ‌گویی در این کشورها را برجسته می‌کند. به‌طور کلی، پژوهش حاضر تأیید می‌کند که تعامل مثبت بین سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب نقش کلیدی در بهبود توسعه اقتصادی و اجتماعی دارد؛ با این حال، شدت و کیفیت این تعامل به زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی و نهادی هرکشور وابسته است. تحلیل یافته‌ها نشان می‌دهد که تأثیر سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب در گروه‌های درآمدی مختلف به طور قابل توجهی متفاوت است. در کشورهای با درآمد کمتر از متوسط، شوک‌های سرمایه اجتماعی تأثیر مثبت و معناداری بر حکمرانی خوب دارند. این نتیجه با یافته‌های پاتنام (۱۹۹۵) هم‌خوانی دارد که سرمایه اجتماعی را عاملی تسهیل‌کننده در بهبود حکمرانی و کاهش هزینه‌های نهادی معرفی می‌کند. در مقابل، در کشورهای پر درآمد، تأثیر سرمایه اجتماعی بر حکمرانی خوب اغلب غیرمعنادار است که می‌تواند ناشی از استحکام نسبی زیرساخت‌های نهادی و حکمرانی در این کشورها باشد (روستین و استول، ۲۰۰۸). از سوی دیگر، نتایج نشان می‌دهد که حکمرانی خوب تأثیر بیشتری بر سرمایه اجتماعی در کشورهای با درآمد کمتر از متوسط دارد. این امر ممکن است به دلیل نبود شبکه‌های اجتماعی قوی و وابستگی بیشتر این جوامع به حکمرانی به‌عنوان عامل ایجاد اعتماد اجتماعی باشد(هایدن،۲۰۰۶). در کشورهای پر درآمد، با وجود ساختارهای اجتماعی قوی‌تر، تأثیر حکمرانی خوب بیشتر به پایداری نهادهای اجتماعی محدود می‌شود (کناک و کیفر، ۱۹۹۷). بنابراین می‌توان اذعان داشت که ارتباط متقابل بین حکمرانی خوب و سرمایه اجتماعی در کشورهای با درآمد پایین‌تر، وابسته به ضعف زیرساخت‌های اجتماعی و نهادی است. در حالی‌که در کشورهای پر درآمد، این ارتباط بیشتر به افزایش شفافیت و تقویت اعتماد نهادی محدود است(اسلانر،۲۰۰۴).

با توجه به نتایج این مطالعه، پیشنهادهای سیاستی زیر برای گروه‌های درآمدی مختلف قابل ارائه است:

الف. در کشورهای با درآمد کمتر از متوسط

- در تقویت شبکه‌های اعتماد محلی، مشارکت مدنی، نهادهای اجتماعی و فعالیت‌های داوطلبانه سرمایه‌گذاری کنند.

- با کاهش فساد و افزایش شفافیت، اعتماد نهادی را ارتقاء دهند که خود محرک سرمایه اجتماعی است.
- برای کاهش هزینه‌های نظارت حکومتی، بر تقویت سازوکارهای هنجاری و خودتنظیمی اجتماعی تمرکز نمایند.
- **ب. در کشورهای با درآمد بیشتر از متوسط**
- حفظ و تقویت زیرساخت‌های شفافیت و پاسخ‌گویی باید در اولویت باشد.
- حکمرانی باید به‌عنوان ابزار پایدارسازی سرمایه اجتماعی موجود از طریق بهبود خدمات عمومی، بهره‌گیری از دولت الکترونیک و حذف تبعیض عمل کند.
- سرمایه اجتماعی در این کشورها بیشتر به‌مثابه نتیجه حکمرانی مؤثر دیده می‌شود تا عامل اولیه آن؛ بنابراین سرمایه گذاری در نهادهای رسمی و قانون‌مدار همچنان حیاتی است.

منابع

حق پناهان, حمیدرضا , کرمی, حامد و همتی, مجتبی . (۱۴۰۰). رابطه بین حکمرانی خوب و صیانت از سرمایه اجتماعی به عنوان یکی از مولفه های قدرت نرم با نگاهی به قانون اساسی ج.ا.ا .فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم.168-137 ,11(1) ,

دلیری، حسن (۱۴۰۱)، کاربرد نظریه سرمایه اجتماعی در توسعه اقتصادی، انتشارات دانشگاه گلستان، گرگان.

رنجبر, ایرج و غلامی, سمیرا . (۱۴۰۱). حکمرانی خوب، سرمایه‌ی اجتماعی و اعتماد سیاسی .دولت پژوهی :doi .255-292 ,8(32) , 10.22054/tssq.2023.57688.1038

ساعی، علی، زارعیان، مریم، و خدایی، ابراهیم. (۱۳۹۲). تحلیل فازی رابطه سرمایه اجتماعی و دموکراسی مطالعه تطبیقی بین کشوری (۲۰۱۰ - ۱۹۹۰). مجله جامعه شناسی ایران، ۱۴(۲)، ۳-۲۹.

طبرسا, غلامعلی , قوچانی, فرخ و بادین دهش, مهران . (۱۳۹۴). بررسی تأثیر حکمرانی خوب بر سرمایهٔ اجتماعی . مدیریت سرمایه اجتماعی، ", 2(2), 177-198. doi: 10.22059/jscm.2015.54975

Abbas, H. S. M., Abbas, S., Gillani, S., & Xu, X. (2024). Role of Digital-Government, Regional Integration, and Government Expenditures on Public Health Services in Selected Asian Economies. *Social Indicators Research*. https://doi.org/10.1007/s11205-024-03379-8

Abbey, P., Tomlinson, P. R., & Branston, J. R. (2016). Perceptions of governance and social capital in Ghana's cocoa industry. *Journal of Rural Studies*, 44, 153-163.

Areia, N. P., Tavares, A. O., & Costa, P. J. M. (2023). Public perception and preferences for coastal risk management: Evidence from a convergent parallel mixed-methods study. *Science of the Total Environment*, 882, 163440. https://doi.org/10.1016/j.scitotenv.2023.163440

Beckham, T. L., Cutts, B. B., Rivers, L., Dello, K., Bray, L., & Vilá, O. (2023). BRIDGE Builders – Leadership and social capital in disaster recovery governance. *International Journal of Disaster Risk Reduction*, 96, 103942.

Bjørnskov, C. (2009). How does social trust lead to better governance? An attempt to separate electoral and bureaucratic mechanisms. *Public Choice*, 144 (1–2), 323–346. https://doi.org/10.1007/s11127-009-9522-z

Bjørnskov, C. (2010). How does social trust affect economic growth? *Southern Economic Journal*, 76 (3), 873–890. https://doi.org/10.4284/sej.2010.76.3.873

Bjrnskov, Christian, 2009. "Social trust and the growth of schooling," Economics of Education Review, Elsevier, vol. 28(2), pages 249-257, April.

Boix, C., & Posner, D. N. (1998). Social capital: Explaining its origins and effects on government performance. *British Journal of Political Science*, 28 (4), 686–693. https://doi.org/10.1017/S0007123498000313

Cao, Q., Zhu, T., & Yu, W. (2024). ESG investment and bank efficiency: Evidence from China. *Energy Economics*, 133, 107516. https://doi.org/10.1016/j.eneco.2024.107516

Castiglione, D., Van Deth, J. W., & Wolleb, G. (2007). *The handbook of social capital*. Oxford University Press.

Coleman, J. S. (1990). *Foundations of social theory*. Harvard University Press.

Daliri, H. (2022). Application of social capital theory in economic development. Gorgan: Golestan University Press. (In Persian)

Daliri, H. (2024). The role of good governance in economic growth: Evidence from income groups. *Iranian Journal of Economic Studies*, 12 (2), 345-368. https://doi.org/10.22099/ijes.2025.51754.1982

Farr, J. (2004). Social capital: A conceptual history. *Political Theory*, 32 (1), 6-33. https://doi.org/10.1177/0090591703254978

Feist, A., Plummer, R., & Baird, J. (2020). The inner-workings of collaboration in environmental management and governance: A systematic mapping review. *Environmental Management*, 66 (5), 801–815. https://doi.org/10.1007/s00267-020-01337-x

Grimmelikhuijsen, S., & Meijer, A. J. (2014). Effects of transparency on the perceived trustworthiness of a government organization: Evidence from an online experiment. *Journal of Public Administration Research and Theory*, 24(1), 137-157.Haghpanahian, H., Karami, H., & Hemati, M. (2021). The relationship between good governance and protection of social capital as one of the components of soft power. *Soft Power Studies*, 11 (1), 137-168. (In Persian)

Han, G., & Yan, S. (2019). Does food safety risk perception affect the public's trust in their government? *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 16 (11), 1874. https://doi.org/10.3390/ijerph16111874

Horigue, V., Fabinyi, M., Pressey, R. L., Foale, S., & Aliño, P. M. (2016). Influence of governance context on the management performance of marine protected area networks. *Coastal Management*, 44 (1), 71–91. https://doi.org/10.1080/08920753.2016.1116678

Hyden, G. (2006). *African politics in comparative perspective*. Cambridge University Press.

Ibitomi, T., Micah, E. E. M., Gaude-Jiwul, P. S., Aiyedogbon, O. J., & Lawrence, M. O. (2024). Test of good governance in Nigeria using World Bank indicators. *Global Sustainability Research, 3*(1), 25–42. https://doi.org/10.56556/gssr.v3i1.622

Idrassen, H., El Yazidi, H., & Boujrouf, S. (2024). A community-based conservation approach model. *Biodiversity and Conservation*. https://doi.org/10.1007/s10531-024-02843-8

Jin, G.-H. (2012). A study about the effects of social capital on social welfare governance. *Social Welfare Policy*, 39 (4), 205–230. https://doi.org/10.15855/swp.2012.39.4.205

Kaufmann, Daniel and Kraay, Aart and Zoido, Pablo, Governance Matters (August 1999). Available at SSRN: https://ssrn.com/abstract=188568

Khan, M. S. (2020). Quality of governance, social capital and corruption: Local governance and the Pakistan marketplace. *Review of Social Economy*, 80 (2), 220–249. https://doi.org/10.1080/00346764.2020.1734228

Knack, S., & Keefer, P. (1997). Does social capital have an economic payoff? A cross-country investigation. *The Quarterly Journal of Economics*, 112 (4), 1251–1288. https://doi.org/10.1162/003355300555475

Kobayashi, K. (2014). Community-based water management and social capital. *Water Intelligence Online*, 13. https://doi.org/10.2166/9781780405469

Luo, H., Ye, Y., Zhou, C., & Zhao, J. (2024). Collective participation in conservation easements in rural China: Evidence from the Qianjiangyuan National Park. *Forest Policy and Economics*, 163, 103230. https://doi.org/10.1016/j.forpol.2024.103230

Mahaarcha, D., & Sirisunhirun, S. (2023). Social capital and farmers' participation in multi-level irrigation governance in Thailand. *Heliyon*, 9 (8), e18793.

Narayan, D., & Pritchett, L. (1999). Cents and sociability: Household income and social capital in rural Tanzania. *Economic Development and Cultural Change*, 47 (4), 871–897. https://doi.org/10.1086/452436

Putnam, R. (2000). *Bowling alone: The collapse and revival of American community*. Simon and Schuster.

Ranjbar, I., & Golami, S. (2022). Good governance, social capital and political trust. *State Studies*, 8 (32), 255-292. (In Persian)

Rothstein, B., & Stolle, D. (2008). The state and social capital: An institutional theory of generalized trust. *Comparative Politics*, 40 (4), 441–459. https://doi.org/10.2307/20434095

Rothstein B, Uslaner EM. (2005). All for All: Equality, Corruption, and Social Trust. *World Politics*. 58(1):41-72. doi:10.1353/wp.2006.0022

Sumkoski, G. (2016). Towards socio-economic theory and practice of regulation: Evidence from OECD countries and Bangladesh. *Cogent Social Sciences*, 2 (1), 1254840. https://doi.org/10.1080/23311886.2016.1254840

Sumkoski, G. (2018). Regulation and social capital. *Journal of Social and Economic Development*, 20 (1), 152–173. https://doi.org/10.1007/s40847-018-0056-4

Tabarsa, G., Ghouchani, F., & Badin Dahesh, M. (2015). The impact of good governance on social capital. *Social Capital Management*, 2 (2), 177-198. (In Persian)

Tan, J. J., & Arceo, V. R. (2024). Women driving Philippine entrepreneurship: Social and governance issues as mediated by economic development. *Journal of Global Entrepreneurship Research*, 14 (1). https://doi.org/10.1007/s40497-024-00398-0

Uslaner, E. M. (2004). Trust and corruption. In J. G. Lambsdorff, M. Taube, & M. Schramm (Eds.), *The new institutional economics of corruption* (pp. 76–92). Routledge.

Woolcock, M. (1998). Social capital and economic development: Towards a theoretical synthesis and a policy framework. *Theory and Society*, 27 (2), 151–208.

Young, Y. (2014). Social context and social capital: Governance, inequality, and the individual experience. *International Journal of Sociology*, 44 (2), 37-62.